

موشکهای آمریکایی استینگر:

این بار از طریق ضدانقلابیون افغانی

این موشک که برد آن ۸ کیلومتر است قادر است هلیکوپترها و نیز هواپیماهایی را که در ارتفاع کم پرواز می‌کنند، با استفاده از مکانیسم هدایت به توسط اشعه مادون قرمز بدون خطا مورد هدف قرار دهد. رسیدن این موشکها از طریق ضدانقلابیون افغانی به جمهوری اسلامی خود به اندازه کافی هم برای آمریکا، هم برای جمهوری اسلامی و هم برای اشرار افغانی رسوایی برانگیز است. آمریکا انتشار این خبر فضاحت آمیز را در روزنامه‌های غربی مجاز دانست تا فضاحت واقعی بازتاب نیابد. اکنون وانمود می‌شود که سیا بر روی سلاحهای اعطایی به ضدانقلابیون افغانی کنترل نداشته و از همین رو بخشی از این سلاحها از زرادخانه جمهوری اسلامی سردمی آوردند. مضحک این است که آمریکا اعلام کرد که بر حسب اتفاق در جریان تصرف سه قایق رزمی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی موشکهای آمریکایی تاو را از طریق اسرائیل و موشکهای آمریکایی استینگر را از طریق ضدانقلابیون افغانی دریافت کرد. و این همه علاوه بر سلاحهایی است که با از طریق اروپا و یابا به صورت مستقیم از آمریکا به دست جمهوری اسلامی رسانده شد.

در هفته گذشته روزنامه‌های بین‌المللی در غرب، خبر از رسیدن موشک آمریکایی استینگر از طریق ضدانقلابیون افغانی به دست جمهوری اسلامی دادند. جمهوری اسلامی به ازای یک میلیون دلار ۲۰ موشک استینگر از این اشرار خریداری کرده است.

در ماه سپتامبر عبدالوکیل وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان در سازمان ملل از روی جلوه دیگری از وابستگی ضدانقلابیون افغانی به سیا برده برداشت. وی گفت، ضدانقلابیون در سال جاری ۶۰۰ موشک استینگر از سیا دریافت کرده‌اند.



دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۶۶ برابر ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۹

تلاش رژیم برای دامن زدن به جنگ و تشنج

در روزیکشنبه هفته گذشته، سه روز پس از این که آمریکا سه قایق رزمی جمهوری اسلامی را به تصرف درآورد، یازدهمین کاروان نفتکش‌های کویتی دارای پرچم نوار و ستاره، تحت حمایت ناوهای جنگی آمریکا، بدون این که حادثه‌ای پیش آید، از تنگه هرمز گذشتند. چهار روز بعد یعنی در روز پنجشنبه از سوی جمهوری اسلامی موشکی به سوی یک نفتکش کویتی دارای پرچم آمریکا، پرتاب شد، البته نه در تنگه هرمز. نفتکش مزبور در بندر الاحمدی کویت مورد اصابت موشکی که محتملا از قارو شلیک شده است، قرار گرفت. جمهوری اسلامی بدین ترتیب خواست که هم حادثه به تصرف در آمدن سه قایق رزمی خود را تلافی کرده باشد و بدین ترتیب برای ماشین تبلیغاتی خود، خوراک فراهم کند و هم "عقل خود را از دست ندهد." توضیح این که بعد از بقیه در صفحه ۲

سرمایه دارهای ملا و ملاهای سرمایه دار

● مالکیت برخی از کارخانه‌ها به حوزه‌های علمیه واگذار شده است

وردست خود می‌نشانند. آخوندها نیز به هیات بورژوا درمی‌آیند. بسیاری به نان و نوارسیده اند، بر مالکیت کارگاهها و کارخانه‌ها چنگ می‌اندازند و از محدوده بازار و بورس بازی بر روی مستقلات، زمین و اراضی کشاورزی پارافراتر می‌نهند. آنچه که اخیرا بر جلوه شده است شرکت مستقیم حوزه‌های علمیه - و نه صرفا آخوندهای منفردی نفوذ و یا متشکل در بنیادها و صندوق‌های قرض الحسنه - در سرمایه‌گذاری‌ها و چنگ اندازی بر روی واحدهای صنعتی موجود است. دیگر بدان بسنده نمی‌شود که بنیاد مستضعفان و نظایر آن بخش مهمی از حاصل دسترنج کارگران را به حساب سران حوزه‌های علمیه واگذار کنند. دولت راسا کارخانه‌هایی را به تملک حوزه‌های علمیه درمی‌آورد. یک نمونه آن است که در کلیشه بریده‌ای از روزنامه کیهان ۱۶ مهرماه بقیه در صفحه ۲

روند درهم تنیدگی فقامت و سرمایه‌داری از خود جلوه‌های متنوعی را به نمایش می‌نهد. حاکمیت فقهاء، حاکمیت سرمایه است. رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی است بورژوازی و تئوکراتیک. بر پایه این گره‌خوردگی در عرصه قدرت است که فقامت و سرمایه‌داری مدام آمیزی بیشتری می‌یابند و این درهم آمیزی از جمله به صورت ملاحظیدن بورژواها و بورژوا شدن ملاها، تظاهر پیدا می‌کند. اکنون مدیران تسبیح در دست دارند و آخوندی را نیز

صدها هزار کشته، صدها هزار زخمی

جمهوری اسلامی ننگت باد، مرگت باد!



در هفتمین سالگرد جنگ ارتجاعی ایران و عراق
طنین شعارهای ضد جنگ خیابانهای مرکز شهر دهلنو

هندوستان را فرا گرفت.

در این شماره

- بیانیه ۱۷ سازمان سیاسی در بلژیک علیه جنگ ایران و عراق
در صفحه ۷
- تأمین اجتماعی یا تأمین نابسامانی‌های اجتماعی
در صفحه ۲
- کشتی شکسته کشتی ایران
در صفحه ۶
- نامه رهبران احزاب، سازمان و اتحادیه کارگری هند به دبیرکل سازمان ملل ورئیس جنبش عدم تعهد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق
در صفحه ۸

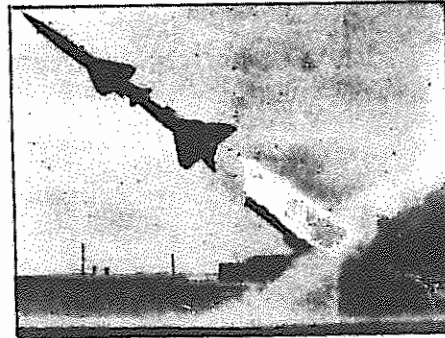
بقیه در صفحه ۲

تلاش رژیم برای دامن زدن به جنگ و تشنج

بقیه از صفحه اول

ماجرای برخورد نظامی با آمریکا، خبرنگاران از سعید رجبی، نماینده رژیم در سازمان ملل پرسیدند که آیا جمهوری اسلامی خود را با آمریکا در حال جنگ می‌بیند. او پاسخ داد: "مگر عقلمان را از دست داده ایم؟" فقها در اینجها عقلمان را از دست ندادند، اما جنون جنگی‌شان همچنان پابرجاست. آنها در هفته گذشته همچنان به تشنج در خلیج فارس دامن زدند و به استقبال جنگ شهرها رفتند. حمله به دونفت کس لیبربیایی - که یکی از آنها در تسلک آمریکا بود - و یک نفتکش عربستان سعودی از جمله اقدامات تشنج طلبانه رژیم در خلیج فارس بود. رژیم با حمله موشکی به بغداد دست به چنایب تازه ای زد. در روز سه شنبه سرزمین موشک جمهوری اسلامی در عرض ۸ روز، به بغداد اصابت کرد. رژیم مدعی شد که این موشک به ساختمان وزارت دفاع عراق اصابت کرده است. اما آماج این حمله یک مدرسه بود. ۲۲ نفر کشته و ۲۱۸ نفر زخمی شدند. ۲۹ نفر از کشته شدگان را کودکان تشکیل می‌دادند. عراق پس از این حمله اعلام کرد که دست به

انتقام جویی خواهد زد و جنگ شهرها - که رژیم خمینی به استقبال آن رفته است - اجتناب ناپذیر است. در هفته گذشته حملات هوایی عراق همچنان ادامه داشت. عراق نیز همانند جمهوری اسلامی یک مدرسه را در لرستان هدف قرار داد. از جمله هدفهای رژیم برای دامن زدن به جنگ و تشنج، بی‌اثر گذاشتن دورتازه تلاشهای شورای امنیت سازمان ملل است. هفته گذشته اعلام شد که شورای امنیت بر مبنای قطعنامه ۵۹۸ و با توجه به نتایج مذاکرات دبیرکل سازمان ملل در تهران و بغداد، طرح تازه ای را آماده کرده است. متن طرح هنوز انتشار نیافته، اما گفته شده است که بند اول آن مانند قطعنامه ۵۹۸ بر آتش بس بی‌قید و شرط تاکید دارد. به جمهوری اسلامی و رژیم عراق دو هفته فرصت داده شده است که نظر خود را در مورد این طرح در اختیار شورای امنیت بگذارند. جمهوری اسلامی مخالف برقراری آتش بس بی‌قید و شرط است. خامنه ای، رئیس جمهور خمینی در نماز جمعه هفته گذشته مجدداً اعلام کرد که برقراری آتش بس منوط به محکومیت صدام حسین است.



نمونه موشک های زمین به زمین که در جمله به مناطق مسکونی عراق مورد استفاده جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد

موشکهای آمریکایی استینگر:

این بار از طریق ضد انقلابیون افغانی

بقیه از صفحه اول

بی‌بهره کسه رژیم خمینی صاحب موشک استینگر هم شده است و کره آمریکا نمی‌دانسته است که از طریق ضد انقلابیون افغانی این موشک به دست جمهوری اسلامی می‌رسد! آمریکا به این داستان پردازی توسل جسته تا وانمود کند خود عمده‌ایه دست رژیم خمینی اسلحه نمی‌رساند. واقیعات افشاگر این داستان پردازی هستند. سیا ضد انقلابیون افغانی را کاملاً در جنگ خود دارد. سیا از رابطه

این اشرار با جمهوری اسلامی مطلع است و برای گسترش این رابطه تلاش می‌کند. سیا بی‌گمان مطلع بوده است که این اشرار بخشی از سلاحهای دریافتی خود را به رژیم خمینی می‌فروشند و بی‌گمان آمریکا این معامله را هدایت می‌کرده است. از همین روست که معامله تسلیحاتی رژیم خمینی با ضد انقلابیون افغانی اساساً حکم کاتال دیگری برای تدایم معامله تسلیحاتی آمریکا با جمهوری اسلامی را دارد.

صدها هزار کشته، صدها هزار زخمی

جمهوری اسلامی ننگت باد، مرگت باد!

بقیه از صفحه اول

فداییان خلق ایران (اکثریت) - هندوستان، سازمان حزب نوده ایران - هندوستان، فدراسیون دانشجویان هندوستان، فدراسیون سرسری دانشجویان هندوستان و چپه دمکراتیک دانشجویان سودانی در هندوستان با برپایی یک تظاهرات و گرد همایی اعتراضی که در آن نمایندگان و فعالین ۱۵ سازمان جوانان، زنان، دانشجویان و... شرکت داشتند، جلوه‌های پرشودی از خشم و تنفر بشریت ترقیخواه علیه ادامه جنگ را به نمایش گذاشتند. این تظاهرات با استقبال وسیع مردم مواجه گردید.

تظاهرات کنندگان پس از طی خیابان روزنامه‌ها (خیابانی که دفاتر روزنامه‌ها در آن واقع می‌باشد) در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع کرده، شعارهای زیر را تکرار کردند.

سرک بر خمینی، زنده باد صلح - جنگ ایران و عراق باید پایان یابد

صدها هزار کشته، صدها هزار زخمی، جمهوری اسلامی ننگت باد، مرگت باد...

سپس سخنرانی‌هایی علیه جنگ ایراد گردید و سخنرانان جنگ طلبی رژیم فقها را محکوم کرده، پشتیبانی خود را از مبارزات صلح خواهانه مردم ایران و عراق ابراز داشتند.

خبر این تظاهرات در ۶ روزنامه انگلیسی، هندی و اردو زبان درج گردید.

همچنین ۱۹ سازمان شرکت کننده در این حرکت اعتراضی با امضای یک قطعنامه جنگ ایران و عراق را چنانچه فراموش نشدنی نامیده و خواهان قطع بی‌درنگ آن گردیدند. متن بخشهایی از این قطعنامه در همین شماره نشریه اکثریت به چاپ رسیده است.

سرمایه دارهای ملایم و ملایم‌های سرمایه دار

مالکیت برخی از کارخانه‌ها به حوزه‌های علمیه واگذار شده است

بقیه از صفحه اول

مشهد، علاوه بر ثروتهای کلانی که از پیش در اختیار داشته اند، صاحب دهها کارگاه، کارخانه، تجارتخانه، درمانگاه و بیمارستان، صدها باب مستغلات و مقادیر عظیمی زمینهای کشاورزی شده‌اند. آنها خود یکی از ارکان سرمایه داری فقامتی را تشکیل می‌دهند.

می‌بینید، از سوی دولت کارخانه قند تربت جام به "مدرسه عالی شهید مطهری" و به عبارت روشن‌تر رکن اصلی حوزه علمیه تهران، واگذار شده است. این نمونه، نمونه کوچکی است. اکنون حوزه‌های علمیه اصلی همچون حوزه‌های علمیه قم و

با تصویب هیات دولت

مالکیت کارخانه قند تربت جام به

مدرسه عالی شهید مطهری واگذار شد

مشهد - مالکیت کارخانه قند تربت جام جهت تأمین بخشی از هزینه تحصیلی دانشجویان مدرسه عالی شهید مطهری پناه تصویب هیات دولت به این مدرسه واگذار شد.

این مطلب را معاون وزیر صنایع و مدیر عامل سازمان صنایع ملی در کرده‌م‌آبی مشترک مدیران دولتی کارخانجات تحت پوشش این سازمان در مشهد اعلام کرد.

گزارشی از عملکرد سازمان تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی یا تأمین نابسامانی های اجتماعی



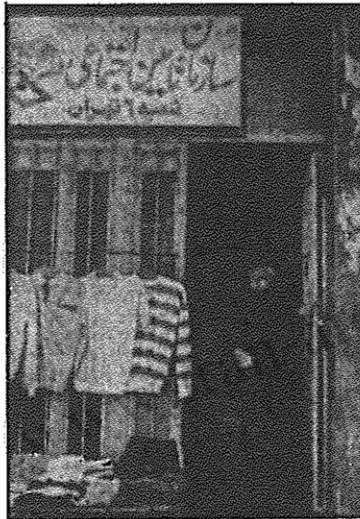
دفترچه های بیمه درمانی سازمان تأمین اجتماعی از اعتبار افتاده اند. ناچندی پیش که هیچ بیمارستان و مطبی حاضر به پذیرش "بیمار دفترچه ای" نبود، با "بیماران غیر دفترچه ای" که حاضر به پرداخت پول بودند، معاينه و مداوا می شدند ولی کسانی که آمی در بساطند اشتند پس از مراجعات مکرر به بیمارستانها و مطب های گوناگون بی آنکه نتیجه ای

قادر به توجه آن نمی باشند. همانگونه که پیش از این گفته شد، دامنه عملکرد تأمین اجتماعی تنها به بیمه درمانی و بهداشت محدود نمی شود و جمیع جوانب اقتصادی و سیاسی و اجتماعی زندگی فردی و جمعی مردم را شامل می شود. نیازی نیست تا عملکرد سیاسی و مسئله تأمین امنیت سیاسی افراد و اندیشه ها را مورد توجه قرار دهیم، چرا که زشدهای مملو از زندانیان سیاسی، خونهای برچای مانده بر دیوارهای میدانی اعدام، کشت های سرکوب و بی گرد و... خود دلایل روشنی بر مضمون عملکرد رژیم در این عرصه بشمار می روند.

نظام ارزشی حاکم بر هر جامعه، بازشناسی مضمون عدالت در مناسبات اجتماعی را عموماً بر اساس معیارها و شاخص های معینی ارزیابی و سنجش می کند. از آن بین ضحوه گردش پول در جامعه و شکل و شیوه توزیع درآمد بین گروهها، افشار و طبقات اجتماعی، نحوه ارضا و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تحلیل از میزان امنیت فردی - در معنای وسیع کلمه - و امنیت اجتماعی، شکل و میزان خدمات دولتی در عرصه فراگیر و جامع از جمله شاخص های اصلی بازشناسی اجتماعی محسوب می گردند. "تأمین اجتماعی" و تحلیل مشخص از آن یک شاخص اصلی بازتابگر نظام ارزشی جامعه است. در زمینه تأمین اجتماعی، در مجموعه جوامع سرمایه داری و به ویژه در جوامع از رشد باز مانده ای نظیر ایران، بین آنچه که می نویسند و آنچه که عمل می کنند دره ای عمیق وجود دارد. واقعیات از وعده ها پرورد می گریزند. در حالی که نابسامانی و بی عدالتی - در سطح جامع آن - در مناسبات اجتماعی، طبقاتی انباشت می شود، سرمایه پرستان حاکم بر حلاوت وعده ها می که مرکز جامعه عمل نخواهند پوشید، می افزایند. با این مقدمه به گزارش تأمین اجتماعی در کشور نظری بیاوریم و البته نه آنچه که گفته و نوشته اند، بلکه به آنچه که در بافت اجتماعی ثبت شده است، و نیکتر آنکه از زبان مردم.

تأمین اجتماعی و مسئله درمان

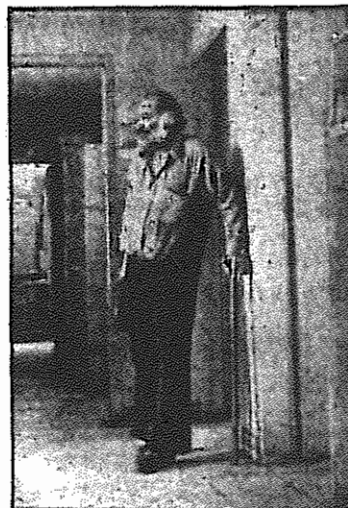
یک کارگر کفش ملی، "من یک غده چربی در گردنم داشتم که به یکی از بیمارستانهای مخصوص بیمه شده ها مراجعه کردم ولی مرا بستری نکردند و گفتند که باید خون لازم را همراه خودم بهم تا مرا بستری کنند. آخه من خون از کجا بیاورم؟ بالاخره رفتم و در یک بیمارستان خصوصی عمل کردم. پس این دفترچه به چه درد من می خورد؟ من کلی پول دادم تا این غده را عمل کردم. شاپکوئید، کارگری که ده سر عائله دارد چطور می تواند خرج بیمارستان خصوصی را بدهد..."



هنگام ورود هم امید نداشت

گرفته باشند، باز می گشتند. سازمان تأمین اجتماعی اخیراً چند بیمارستان و مطب را بعنوان بیمارستانها و کلینیکهای "ویژه بیمه شده ها" معرفی کرده است که تفاوتی در وضعیت درمانی بیمه شدگان ایجاد نکرد. حتی این بیمارستانهای ویژه نیز حاضر به پذیرش بیمار بیمه ای نیستند. بعنوان نمونه یکی از مراجعین به یکی از شعبه های تأمین اجتماعی می گوید "به یکی از بیمارستانهای مخصوص - ویژه بیمه شده ها - مراجعه کرده است برای رادیولوژی ولی در این بیمارستان از گرفتن عکس خودداری کرده و به او گفته اند که باید به جای دیگری مراجعه کند."

نماینده بیمه شرکتی می گوید "ما مشکلات زیادی در مورد درمان بیمه شده ها داریم. وقتی سازمان از کارگر پول بیمه کم می کند ناگزیر باید بیمارستان هم وجود داشته باشد که در هر شرایطی بیمه شده ها را بپذیرد. کرچه سازمان می گوید که بهر حال



۲۸ سال آهنگری کرده ام. ۲۸ سال پتک زده ام. این شوخی نیست. و امروز مثل اینکه روزی ۲۸۰۰۰ پتک بر سرم می زنند.

در تاریخ ۱۲ الی ۱۸ مهرماه هفته همکاری بین المللی تأمین اجتماعی برگزار شد. هدف این مقاله آشکار ساختن تضاد گفته ها و کرده های رژیم جمهوری اسلامی در زمینه تأمین اجتماعی نیست. چه این هدف موضوعیتی ندارد و عملکرد و کارنامه جمهوری اسلامی خودیگانه منبج معتبر و خود افشاگر است.

آنچه موضوعیت دارد، قمایش عبق این تضاد و عرضه یک تصویر گویا و مشخص از سازمان تأمین اجتماعی کشور است. روزنامه کیهان در تاریخ ۱۵ الی ۱۸ مهرماه به انتشار سلسله گزارش های پیرامون تأمین اجتماعی پرداخته است. کارنامه سیاه سازمان تأمین اجتماعی - که جزئی از عملکرد عمومی رژیم را تشکیل می دهد، بحدی سنگین است که رسانه های دولتی نیز

مسئولیت مستقیم درمان به عهده وزارت بهداشت است ولی برای بیمه شده ها این پاسخ قابل قبول نیست، چون بیمه شده که پول را به سازمان تأمین اجتماعی می دهد سازمان را مسئول این کار می داند. من این حرفی را که می زنه حرف خودم نیست من نماینده حدود ۷۰۰ کارگر هستم و می دهم که آنها در این زمینه با چه مشکلاتی درگیر هستند. بطور مثال خانمهای کارگری که زمان زایمان خود رانزدیک می بینند نگران این هستند که این مورد را چگونه از سر خواهند گذراند و یا کارگری که احتیاج به عمل جراحی دارد نمی داند چه کند. بعد از اینکه سازمان تأمین اجتماعی بیمارستانهای خصوصی را هم برای بیمه شدگان مشخص کرده اند باز هم تغییری در وضعیت درمانی مشاهده نکرده ایم."

اصولاً سازمان تأمین اجتماعی با آنکه وظیفه انجام خدمات درمانی را برعهده دارد، در این عرصه کمترین نقشی را برعهده نداد. غرضی رئیس سازمان تأمین اجتماعی خود نیز به این موضوع معترف است. وی در زمینه مسئله درمان می گوید "در مورد مساله درمان بر اساس این سیاست دولت که درمان در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد و نیز بر اساس این که قانون سازمان را مکلف می کند که در واقع یک سوم از پرداختها را به وزارت بهداشت بدهد، سازمان تأمین اجتماعی نمی تواند چیزی یک نظارت عالیه کاری انجام دهد."

تأمین اجتماعی و مستمري

کارنامه سازمان تأمین اجتماعی در زمینه پرداخت مستمري نیز بسیار سیاه است. کاغذبازی، سردوانیدن سرسام آور و دست آخر اگر شانس یاری کند، مستمري ناچیز و در غیر اینصورت بقیه در صفحه ۵

سود اگر آن مرگ در کمین کودکان

چندی پیش یک پسر بچه و یک دختر بچه ۶ تا ۷ ساله در بندرعباس مفقود الاثر شدند. خانواده آنها مامورین دولتی را در جریان امر قرار دادند، اما برای پیدا کردن آنها اقدامی جدی صورت نگرفت. پس از ۶ ماه با مراجعه پسر بچه گمشده به پلیس ایندو کودک را در زاهدان پیدا کردند. طبق تعریف پسر بچه گمشده افراد یک هاند آنها را ربوده، به زاهدان بردند و برای مدتی در یک خانه محبوس کردند. طی این مدت آنها را معتاد و وادار به کدایی می کردند.

ابستادگی در مقابل اعزام اجباری به جبهه

نقشه اعزام اجباری کارکنان بیمارستان امداد اوز از طریق قرعه کشی با شکست مقتضایه ای روبرو شد. افرادی که بر اساس قرعه کشی ملزم به رفتن به جبهه بودند می بایست خود را به ستاد پشتیبانی جنگ مستقر در "لار" معرفی کنند. اما در روز موعود غیر از دو نفر هیچکس در محل حاضر نگردید. کارکنان بیمارستان می گفتند چرا باید مفت خودمان را به کشتن بدهیم. اگر قرار باشد به جبهه برویم، همگی استعفا می دهیم. در مقابل ابستادگی یکپارچه کارکنان بیمارستان، بهداری لارستان با استناد آری تماس برقرار می کند و موضوع را با آنها در میان می نهد. مقامات استناد آری مجبور به پذیرش لغو اعزام اجباری کارکنان بیمارستان می گردند. لازم به ذکر است که قبل از آن کارکنان بیمارستان لار نیز از رفتن اعزام به جبهه سر باز زدند.

خبرهایی کوتاه از میان نامه ها و گزارش ها

در بخش سپهر بیک

مدتی پیش در روستای کروک که یکی از روستاهای پر جمعیت بخش سپهر است، شعاری با مضمون "مرگ پر خمینی، ما جنگ نمی خواهیم، زنده باد صلح" نوشته شد. سپاه پس از اطلاع از موضوع مزدوران خود را به آنجا گسیل کرد. مزدوران روستا را به محاصره در آوردند و بسیاری از اهالی را مورد بازجویی قرار دادند. از آن پس تاکنون افراد سپاه همه شب در کوچه های روستا کشیک می دهند.

لقصابی چماران

در بندرعباس شخصی اقدام به کشایش یک مغازه قصابی کرد و بر آن نام "قصابی چماران" نهاد. وی مدتی با همین نام کسب و کار خود را ادامه داد. اما پس از اطلاع ماموران شهرداری و سپاه، قصابی شخص مذکور را به سبب رقابت منفی با راهبر انقلاب اسلامی تعطیل کردند.

آوردن نظرات برای مراسم روز قدس

روز قدس حجت الاسلام برقه ای نماینده سابق خمینی در کوبیت طی سخنرانی خود در مراسم نماز جمعه "اوز"، مردم این شهر را بخاطر عدم شرکت در مراسم روز قدس مورد تنکوش قرار داد. وی گفت: اکثر می فهمیدم مردم در تظاهرات شرکت نمی کنند از قیر و کازرین نظرات می آوردم. این سخنان پاریشخند بسیاری از حاضرین مواجه شد.

از محلات حاشیه ای را آب فرا گرفت و ۳۰ روستای مازندران از جمله روستاهای مناطق نکا، قائم شهر، بابل، بهشهر و... در محاصره آب قرار گرفتند. در بسیاری از این مناطق به بهانه اینکه امکانات امداد رسانی وزارت کشور و شهرداری ها در جبهه هستند کمکی به مردم ارائه نشد. در تهران تنها یک بلدور در مقابل دفتر شهرداری منطقه ۲۰ به چشم می خورد.

پلیس فرانسه هواپیمای جمهوری اسلامی را متوقف کرد

روز ۷ مهر یک هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ "ایران ایر" که از تهران عازم لندن بود در فرودگاه "اورلی" پاریس متوقف شد. به گزارش رویتر، مخالفت با پرواز "ایران ایر" توسط پلیس فرودگاه بر اثر سوطن آنان در مورد وجود اشیا مشکوک در هواپیما صورت گرفت. پاسداران و کارکنان ایران ایر با بازرسی هواپیما مخالفت کردند ولی پلیس فرانسه با شدت عمل به بازرسی آن پرداخت و نه میاموی ماموران جمهوری اسلامی وقتی نگذاشت. مقامات فرودگاه اورلی پاریس گفتند تجسس هواپیمای در حال ترافزیت به ندرت صورت می گیرد ولی آنان حق دارند هواپیمای جمهوری اسلامی را بازرسی کنند. ۱۹۱ مسافر ایران ایر پس از ۵ ساعت تاخیر و کسب اجازه صدور پرواز، پاریس را ترک کردند.

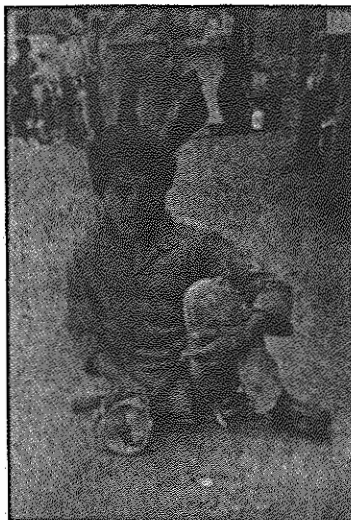
گزارشی از عملکرد سازمان تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی یا تأمین نابسامانی های اجتماعی

بقیه از صفحه ۲

هیچ اساس پرداخت مستمیری را بر سابقه کار نهاده اند و این در حالی است که همگان بخوبی می دانند کارفرمایان در گذشته و نیز حال برای عدم پرداخت حق بیمه، هیچگونه مدرکی که دال بر اشتغال کارگر باشد در اختیار کارگران قرار نمی دادند و بسیاری از کارگران کشور با این مسئله مواجه بوده اند. در مورد عملکرد ساؤمان تأمین اجتماعی در عرصه پرداخت مستمیری از کار افتادگی، بازنشستگی و یا مستمیری به بازمندان کافی است تقها به گوشه ای از گزارش روزنامه دولتی کیهان استناد جوییم.

"صدای دردمدفش در راهروی تنگ یکی از شعبه های سازمان تأمین اجتماعی می پیچد... من بخاطر زن و بچه هایم به اینجا می آیم و می روم، کدایی که نمی کنم، حقم را می خواهم" صاحب صداهیکل تو نمندی دارد که با عصای دستش تضادی درد آور را به چشم می کشد. وقتی حرف می زند دستان



مردم و "تأمین اجتماعی" در جمهوری اسلامی

باید از کار در پرورم ۲۸۰ سال آهنگری کرده ام، ۲۸ سال پتک زده ام، شوخی نیست و امروز مثل اینک روزی ۲۸۰۰ پتک بر سرم می ژوند. ●

سوئد:

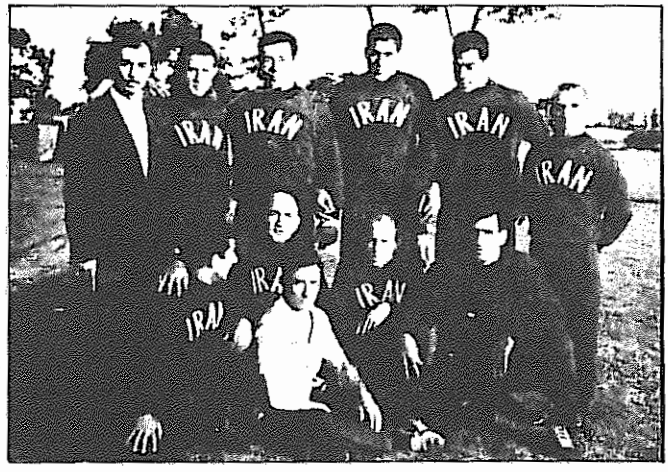
جنگ ایران و عراق را قطع کنید

روز چهارم مهرماه در شهر "لولئو" از سوی کمیته سوئدی صلح و دموکراسی در ایران و عراق تظاهراتی علیه جنگ ایران و عراق صورت گرفت. تظاهرکنندگان که در مرکز شهر گرد آمده بودند با پخش یک اعلامیه که چندبار متن آن از طریق بلندگو قرائت گردید، مردم لولئو را به حمایت فعال از مبارزات مردم ایران و عراق در راه صلح و دموکراسی فراخواندند.

تظاهرات برپاشده از سوی "کمیته سوئدی صلح و دموکراسی در ایران" در شهر "لولئو" با استقبال و ابراز همبستگی شهروندان سوئدی مواجه گشت.

در روز ۳ شهریور همزمان با آغاز هشتمین سال جنگ نیز تظاهرات مشابهی در شهر "کیرونا" برگزار شده بود که شعار مرکزی آن قطع جنگ و برقراری صلح میان ایران و عراق بود. این تظاهرات از مرکز شهر شروع و باطی مسافتی تا "خانه مردم" پایان یافت. در تظاهرات مذکور قطعنامه ای علیه جنگ تصویب و خوانده شد ●

کشتی شکسته کشتی ایران



تیم اعزامی ایران به مسابقات جهانی یوکوهاما (۱۹۶۱) با کسب پنج مدال طلا، یک نقره و یک برنز به مقام قهرمانی جهان دست یافت. از چپ به راست ایستاده، محمد خادم دبیر وقت فداسیون کشتی، صنعتکاران، حسین نوری، مهدی زاده، غلامرضا تختی، سلطان‌نژاد. نفرات نشسته از چپ، حمید توکلی، حبیب الله بلور (مربی تیم) رحمت غفوریان (داور)، سیف پور و حبیبی

مسابقات با اهمیت برای جمهوری اسلامی شرکت نکرده اند؟
مشار رسالت، بیش از آنکه متوجه رژیم باشد، تهدید علیه ورزشکاران بود.
تأثیر سیاست مخرب رژیم به رکود و ناکامیهای بی دربی منجر شد و آنچه که طی ۴۰ سال، پیش کسوتان ورزش کشتی با همیت و تلاش بی وقفه خود در صحنه ورزش ایران و جهان کسب کرده بودند، بدست جمهوری اسلامی از بین رفت.
قهرمانانی چون تختی در یوکوهاما و منچستر و سایر میدانهای ورزشی در صدر قرار داشت اینک بعنوان "تیم درجه ۲" ارزیابی می گردد.
مهم است، پاسداری از آئین خرافه و جهل و تفکر قرون وسطایی است. رژیم صریحا اعلام می کند هر چه مخالف "شئون" اسلامی، ضوابطی برقرار باشد علیه آن ضوابط ورزش و ورزشکاران ایران را از حضور در آن میدادین محروم خواهد ساخت. درگاهی رئیس تربیت بدنی در خرداد ماه سال جاری در مصاحبه با کیهان با ابراز نگرانی از حضور زنان در مجامع ورزشی و "قضاوت" آنان در مسابقات ورزشی می گوید، در جهان غرب مسابقات کشتی را بعضا زنان داوری می کنند اگر روزی قرار باشد مسابقات جهانی و بین المللی را هم زنان داوری کنند مسلما مادر کشتی با این بحران مواجه خواهیم بود... بهرحال ما باید انتظار آینده خطرناک تری برای حضور ورزشکاران مان در

سطح بین المللی داشته باشیم. تنها واقع بینی ما باعث حفظ ارزشهای ما خواهد شد.
واقع بینی جمهوری اسلامی برای برون رفت از بحران به معنای محرومیت هر چه بیشتر ورزشکاران و نابودی ورزش کشور است. و در این راستا با زهم بر ضوابط ارتجاعی گذشته می افزاید و در کمیته برون مرزی که نمایندگان وزارت امور خارجه و ساواک اسلامی در آنجا مسئول تایید "صلاحیت سیاسی و اسلامی" هستند، کنترل ورزشکاران حتی در خارج از کشور در داخل میدادین ورزشی را نیز بر وظایف خود می افزاید.
"واقع بینی" رژیم بدین معناست که بودجه ۲۵ هزار تومانی فداسیون کشتی کیلان را نیز قطع کنند و آن رمانند فداسیون کشتی اصفهان بدون تشک و بودجه سازند تا ورزشکاران و مربیان کیلان نیز مانند لرستانی ها "پارگی" تشک کشتی ده ساله و فرسوده خود را به کمک کارگران بدوزند و جمهوری اسلامی را در این شرایط کسر بودجه و هزینه ای سنگین جنگ در مضیقه قرار ندهند و بدانند که جمهوری اسلامی اگر بتواند از بودجه جنگ صرفه جویی کند، برروال همان "واقع بینی" کاری خواهد کرد که دیگر مربی فرنگی کار استان تهران در مصاحبه با کیهان تکوید "ما حتی چهار ماه است که در تالار تمرینی ورزشگاه شیرودی (امجدیه) آب گرم نداریم و کشتی گیران با هزینه های شخصی به حمام می روند" ●

مسابقات فرانسه نیز تا زمان به صدای درآمدن سوت بازیها، تنها به ارسال یک تلکس اعلام آمادگی بسنده کردند تا بدینوسیله بتوانند اقدام به اعتراض کشتی گران و ترک اردوی تدارکاتی جلوگیری کنند. با شروع بازیها مطبوعات جمهوری اسلامی به بهانه اینکه به ورزشکاران ایرانی از طرف فرانسه ویزا داده نشده است تلاش کردند سیاست رژیم را پرده پوشی کنند ولی مسئولین ورزشی فرانسه ضمن رد ادعای مطبوعات و مسئولان جمهوری اسلامی، اعلام کردند که تا زمان برگزاری مسابقات هیچ گونه درخواستی از طرف ایران جهت رفع مشکل روادید صورت نگرفته و اصولا با توجه به دعوتنامه رسمی فداسیون کشتی گیران ایران نیازی به روادیدند اشتمد.

عدم حضور در مسابقات فرانسه موجب گردید، ۷ داور کشتی از ایران نیز که به عنوان داوران بین المللی شناخته شده بودند از "قضاوت" بازیها و راهبایی به جمع داوران بازیهای المپیک ۸۸ که در سئول کره برگزار می شود، محروم گردند. بنا به تصمیم فداسیون جهانی کشتی، قرار بر این بود که در صورت شرکت داوران ایرانی در بازیهای فرانسه، سه تن از آنان برای قضاوت بازیهای المپیک سئول انتخاب شوند.
جمهوری اسلامی حتی با همکاری ۷ تن از داوران ایرانی که تصمیم گرفته بودند با هزینه شخصی خود راه فرانسه برسانند مخالفت کرد.
سیاستی که خود بر آن "سیاست بلا تکلیفی" نام نهاده اند و عدم حضور در میدادین بین المللی موجب گردید تیم کشتی ایران از لحاظ کمی و کیفی و آشنایی با قوانین جدید کشتی چنان افت کند که فداسیون کشتی جهانی (فیلا)، رسا تیم ایران را فاقد ارزشهای درجه اول بین المللی تلقی کند و آن را تیم درجه ۲ بنخواند و از برگزاری مسابقات جهانی ۲۲ بهمن جلوگیری کند. سیر نزولی و رکود کشتی، کار راه چایی رساند که روزنامه رسالت نیز زبان اعتراف و گله گزاری کشور و با اشاره به مسابقات ۲۲ بهمن که در بندر عباس برگزار شد نوشت، "چرا کیفیت مسابقات اینقدر پایین است؟ که، نه تنها ورزشکاران شوروی، لهستان، ترکیه بلکه افرادی از تیم ملی خود ایران نیز در این

هیچ فرصه ای در کشور ما از کژند و بیرانگری های رژیم خمینی در امان نمانده است. در این راستا ورزش کشتی سابقا پرتوان ایران نیز کشتی در هم شکسته شده ای را مانده شده است که خود آئینه ای است از عملکرد عمومی رژیم در پهنه میهن. گزارشی داریم از وضعیت کنونی ورزش کشتی در ایران.
روز ۱۸ مهر، اعضای کاروان ورزشی تیم کشتی فرنگی و آزاد ایران برای شرکت در مسابقات قهرمانی کشتی آسیا راهی هند شدند. از آنجا که تصمیم به حضور در مسابقات هندوستان ناروش بود، در نتیجه باتاخر در تدارک برنامه سفر، عده ای از کشتی گیران، داوران خبرنگاران و جمع دیگری از هیات سرپرستی کشتی از همراهی تیم اعزامی بازماندند.

در مصاحبه با کیهان ورزشی، سوخته سربایی از چهره های بنام ورزش کشتی با بیان وضع خود، برخورد جمهوری اسلامی با کشتی را تشریح کرد و گفت، "اگر کشتی می خواهند باید همه چیز مرتب و منظم باشد... ولی اجازه نمی دهند در مسابقات جهانی و المپیک شرکت کنیم. بعد از انقلاب تاکنون شش دوره از شرکت در مسابقات جهانی و المپیک محروم بودیم". منظور وی از شش دوره، غیبت های متوالی تیم ملی کشتی از بازیهای المپیک مسکو، لوس آنجلس - آمریکا، بازیهای جهانی سال ۸۲، قهرمانی کشتی جهان در بوداپست که در سال ۸۶ برگزار شد و همین اواخر محرومیت ورزشکاران ایرانی از شرکت در مسابقات جهانی کلمونت فرانسه است.

این بازیها در خرداد ماه سال جاری برگزار گردید. تیم ایران نیز از سوی فداسیون کشتی فرانسه و از طرف فداسیون جهانی کشتی (فیلا) برای شرکت در این بازیها دعوت شده بود.
اسلامی از آنجا که نمی خواستند اعضای تیم ایران در مسابقات کلمونت حضور یابند آگاهانه "سیاست بلا تکلیفی" را تا زمان آغاز بازیها در پیش گرفتند. سیاستی که تاکنون بارها به اشکال مختلف با هدف جلوگیری از خروج ورزشکاران از کشور، بکار بسته شده است. برای

نروز

بیانیه ۱۷ سازمان سیاسی در بلژیک علیه جنگ ایران و عراق

- ۱ - حزب کمونیست بلژیک - بروکسل
- ۲ - حزب کمونیست یونان - بلژیک
- ۳ - حزب کمونیست سوئدان - بلژیک
- ۴ - سازمان جوانان کمونیست - بلژیک
- ۵ - جنبش کمونیست های بلژیک
- ۶ - سازمان جوانان کمونیست شیلی - بلژیک
- ۷ - کمیته دفاع از صلح در بلژیک
- ۸ - جنبش جوانان کمونیست بلژیک
- ۹ - جبهه آزادببخش ملی کردستان ترکیه - بلژیک
- ۱۰ - اتحادیه کارگران ترک - بلژیک
- ۱۱ - اتحادیه کارگران کرد - بلژیک
- ۱۲ - اتحادیه پیشگامان در بلژیک
- ۱۳ - دبیر کمیته اروپایی آمریکای لاتین (بلژیک)
- ۱۴ - دبیر کمیته بلژیکی دفاع از افغانستان در بلژیک
- ۱۵ - انجمن بلژیک ویتنام
- ۱۶ - انجمن بلژیک و شوروی
- ۱۷ - رئیس طبع و نشر علمی، فرهنگی و سیاسی در بلژیک

روز شنبه سوم اکتبر برابر با یازدهم مهرماه، همچون سالهای گذشته در بلژیک، جشنی در بزرگداشت صلح برپا گردید. این جشن توسط دو سازمان مدافع صلح بنامهای "FOR DE VREDE" و "FOR DE VREDE" و با شرکت شمار زیادی از احزاب، سازمانها و نهادهای صلحدوست و مترقی سازماندهی شده بود.

از جمله شرکت کنندگان در این جشن فداییان خلق در بلژیک بودند که با برپایی میز مطبوعاتی و توزیع نشریات و اعلامیه‌هایی به زبانهای فارسی و فرانسوی به افشاکاری علیه جنون جنگ طلبی رژیم خمینی پرداختند.

هفته حزب و سازمان شرکت کننده در جشن صلح با امضای متن اعتراضیه ای علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق خواهان اجرای موارد چهارگانه زیر شدند،

۱- برقراری آتش بس فوری و قطع جنگ.

۲- بازگشت نیروهای نظامی دو طرف به مرزهای بین المللی.

۳- اجرای بیدرتک قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد.

۴- خارج شدن نیروهای آمریکا و متحدینش از خلیج فارس.

۵- اسامی امضاکنندگان اعتراضیه به قرار زیر است:

هلند



ایران برای استقرار صلح و دمکراسی در میهنمان دعوت کردند. این عکس از روزنامه حقیقت ارگان حزب کمونیست هلند مورخ پنجم اکتبر (۱۳ مهر) گرفته شده است.

عکسی که مشاهده می کنید گروهی از اعضای انجمن پناهندگان ایرانی در هلند را نشان می دهد که با پراه انداختن یک کاروان دوچرخه سواری علیه جنگ ایران و عراق، مردم این کشور را به دفاع از مبارزه مردم



عکس بالا صحنه ای از راهپیمایی گروهی از ایرانیان مقیم اسلویا بتخت نروز را نشان می دهد. این راهپیمایی به مناسبت سالگرد جنگ ویرانگر ایران و عراق و در اعتراض به ادامه آن برگزار شد.

بسیاری از نروژی ها در همبستگی با راهپیمایان بر ضرورت قطع فوری جنگ تاکید کردند.

قسمتهایی از

قطعنامه تظاهرات ضد جنگ در هندوستان

"ما احزاب و سازمانهای شرکت کننده در تظاهرات ضد جنگ از دولت های ایران و عراق می خواهیم که به جنگ ویرانگر ایران و عراق که برای ۷ سال ادامه داشته، فوراً خاتمه دهند..."

"جنگ ۷ ساله ایران و عراق بیش از یک میلیون کشته، هشتصد هزار اسیر جنگی، صدهزار معلول و مجروح و میلیاردها (دلار) خسارت بر جا گذاشته است. مردم دنیا بارها شاهد اقدام جنایتکارانه بمباران مناطق مسکونی توسط دو کشور مزبور بوده اند. مبارزات صلح خواهانه مردم ایران و عراق توسط این دو رژیم به شدت سرکوب می شود..."

"جهان ترقیخواه هرگز چنین جنایاتی را فراموش نمی کند. ما شرکت کنندگان در این تظاهرات همبستگی خود را با مبارزات مردم صلحدوست و آزادیخواه ایران و عراق اعلام می کنیم و حمایت خود را با نبرد عادلانه شان برای خاتمه بیدرتک این جنگ بی معنی و ویرانگر اعلام می کنیم."

- فدراسیون دانشجویان هند
- فدراسیون سراسری دانشجویان هند
- فدراسیون جوانان دمکراتیک هند
- فدراسیون سراسری جوانان هند
- کنکره جوانان هند (ایندیرا)
- جبهه دمکراتیک دانشجویان سوئانی در هند
- جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین
- سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان - هند
- شورای دانشجویان یمنی - هند
- جوانان چانانا
- فدراسیون ملی زنان هند
- مرکز اتحادیه های کارگری هند
- کنکره اتحادیه سراسری کارگران هند
- انجمن دمکراتیک زنان هند
- فدراسیون کارکنان روزنامه ها - دهلی
- فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هند
- سازمان حزب توده ایران - هند
- اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی - هند
- هلوک سراسری پیشرو هند

نوحش وردالت اندیشه وعمل

فتوی و دستور العمل زیر از سوی ارکان عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در مورد کسانی که در ماه رمضان اقدام به روزه خواری می کنند صادر شده است .

بسمه تعالی

کسیکه در ماه مبارک رمضان ارزوی، لیم و مد افطار کند، لازم است طبق صلاح سدحاکم شرع تفسیر شود (تا زمانیکه شخصی که بگردد تفسیر شده اگر با مردم بدون عنبر (شرعی) از روی علم و مد افطار نماید یا تفسیر بدست خود در صورتی که با سره از روی علم و مد افطار کند (یعنی روزه اش با خود دارد) بعد از تفسیر واجب است او را کشت .

اگر شخصی افطار کند (روزه خواری) افطار روزه خواری و محال و مباح بنامانسان مارا اول اروزانه قتل میرسانند مشروط بر اینکه بر طرفت اسلامی متولد شده باشد ۲۰

ولی در صورتیکه ولادتش بر غیر طریقت اسلامی باشد (یعنی اعتقاد منطقه اش مردان اسلام یکی از اولاد اینها باشد) وی را توبه می دهند.

پس اگر توبه نمود از کفایت وی میکند و در غیر انصورت وی را بقتل میرسانند . لازم بیاد آوری است که حکم مذکور در صورتی است که مرتکب افطار (روزه خواری) مرد باشد ولی اگر زن فعل مزبور باشد چه مرتد نظری باشد چه ملی .

اگر در کربلا کشته شد بلکه حکم ابراست که وی را حبس نموده و در اوقات سه گانه نماز حاضر کرده و توبه اش دهند اگر قبول توبه نمود که مطلوب حاصل است و غیر غیر اینصورت او را بر زندان و ابر با بنیاد ایامه دهنده که وی تائب شود یا موت گردد . ۳۰

کتاب صوم لعمه شیخ بداول محمد بن جمال الدین تاریخ شهادت ۷۸۶ هـ - ی

و کتاب صوم عبودة الرضی حضرت امام خمینی

مقتضی سیاسی که ش

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

۲- مقصد از استعمال افطار این است که عقده اش بر این باشد که افطار حلال است و اساساً " به روزه و اسباب در ماه مبارک است عقده اش تا افطار حلال است عقده اش از طریق افراط خود حاصل میشود .

۳- ناگفته ماند نظر مبارک حضرت امام در عبودة الرضی درباره فراموشی با مراد است و از نتایج معطله در رابطه با سوان - اطلاعاتی در دست نیست .

نامه رهبران احزاب ، سازمان و اتحادیه کارگری هند به دبیر کل سازمان ملل و رئیس جنبش عدم تعهد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق

عالیجناب ، خاویر پرز د و کوئیار ، دبیر کل سازمان ملل متحد - نیویورک
عالیجناب ، ر ابرت موگابه ، رئیس جنبش عدم تعهد
عالیجنابان ،

ما سازمان ها و احزاب هندی اعضا کننده، از طرف مردم صلح دوست کشورمان و از جانب میلیونها مردم ترقیخواه جهان ضمن پشتیبانی از اقدامات اخیر سازمان ملل و شورای امنیت می خواهیم باز دیگر نظر شمار نسبت به صدها هزار کشته ، میلیونها زخمی ، ناص العضو و کشته و میلیارد ها دلار خسارت اقتصادی جنگ بی معنی ۷ ساله ایران و عراق جلب کنیم . مردم هر دو کشور قربانیان اصلی این جنگ اند . همزمان ادامه این جنگ منجر به افزایش تشنج در خلیج فارس و حضور نظامی کشورهای غربی بویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه شده است . در نتیجه صلح در منطقه اقیانوس هند به مخاطره افتاده است .

عالیجنابان ،
نه تنها مردم ایران و عراق بلکه مردم جهان خواستار زندگی صلح آمیزند . ما از شما تقاضا می کنیم که از موقعیت ممتازتان برای برقراری آتش بس بین ایران و عراق استفاده کنید . نیروهای دو طرف باید به مرزهای قانونی بازگردند و اختلافات بین دو کشور در پشت میز مذاکره پایان یابد .

- دای . م اس . نامبوددیه یاد ، دبیر کل حزب کمونیست هند (مارکسیست)
- م . فاروقی ، دبیر کل شورای ملی حزب کمونیست هند .
- سب . چودری ، دبیر حزب سوسیالیست انقلابی
- د . د . شاستری ، دبیر بلوک پیشرو سراسری هند
- ی . سینا ، دبیر کل حزب چائاتانا
- د . گوسوامی ، از حزب آسام
- سب . ر . چندرا ، دبیر کل سازمان صلح و همبستگی هند
- ش . سب . باحی ، عضو سابق پارلمان و رئیس سراسری مبارزین راه استقلال هند
- اجمل اجملی ، رئیس انجمن نویسندگان مترقی اہالت مرکزی (دهلی)
- همی داجی ، دبیر کل کنگره سراسری اتحادیه های کارگری هندوستان
- سب . ک . گلکالی ، دبیر مرکز اتحادیه های کارگری هندوستان

آلمان فدرال

روز ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) فداییان خلق در شهر زیکن - آلمان فدرال با برپایی میز کتاب و نشریه در جشن بزرگداشت صلح به افشاکری علیه سیاستهای جنگ افروزان و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی پرداختند .
در جشن صلح شهر زیکن ، نمایندگان و فعالین نیروهای مترقی و صلح دوست آلمانی منجمله حزب کمونیست آلمان ، سازمان جوانان سوسیالیست آلمان ، حزب سبزها ، گروه صلح ، صلح سبز ، انجمن پناهندگان زیکن و ... حضور داشتند .
عکس صحنه ای از جشن را نشان می دهد ●



حقوق زن در حکومت اسلامی

مطلب زیر بخشی از نامه زنی است که شرح حال خود را برای مجله "زن، روز" ارسال داشته است و عیناً کلیشه می شود :

... و ما زنها در دست او عروسکیهای خیمه شب بازی ای بیش نیستیم . عواطف و آرزوهای ما در دست او به صورت عقده و کینه و حسد و بد خواهی نسبت به همدیگر در می آید . برای جلب محبت یکی از زنها ، آن دو نفر دیگر را تحقیر می کند و بعد از چند روز این کار را در مورد یکی دیگر می کند ولی این بار که به خاطر آنها نیمه شب مرا از خانه بیرون کرد ، هیچ بنای نداشتم ، باترس و لرز بسیار خودم را به دهان رساندم و چند روز بعد رفتم دادگاه و از کربیم شکایت کردم . ولی در اینجا به من گفتند : «اگر مردی بتواند خرجی زنانش را بدهد ، ده تا هم می تواند زن بگیرد . البته چهار تاعقدی و بقیه صیغه» کاش کسی بود که به اینها می گفت که مقصود از ازدواج که تنها این نیست که مرد خرجی زنش را بدهد . زن احتیاج به محبت و آرامش دارد .

با این حال ، چند ماهی است که در خانه پدر به سر می برم و رنج بیوه شدن را به رفتن به آن خانه لعنتی و پر جنجال ترجیح داده ام . در این مدت حتی

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

بقیه از صفحه آخر
ویران کنیم، برای رهائی انسانها قلم می‌زنیم - و اگر لازم شد جان می‌دهیم بی آنکه عاشق مردن باشیم..."
و زندگی در او نیز متوقف نشد. قلب کوچکش که در هیئت قلبی بزرگ باز آفریده شد، کماکان در تپش است. مرگ را به سخره نشست و مرده‌واره راه مرده‌پرستانی که زنجیر راستایش می‌گفتند، و او که زندگی و آزادی را. چه امروز زندگی در آزادی مفهوم می‌یابد. و عشق برآمده از هدف انسانی‌اش در مفهوم "زیستن" آزاده زیستن را فریاد می‌کند.

نیوشا عاشق بود، عاشق زندگی و نه عاشق زندگی فرد خود - وجه بسیارند آنانکه تنها در خود می‌زیند - زندگی‌اش از آنرو در مفهوم عام زندگی گره می‌خورد که بین "خود" و "دیگران"، این دیگران که مردم میهنش بودند، مردم همه‌گیتی بودند، مرزی نمی‌شناخت. و از این رو، سرود شد. سرود رزمندگی انسانها. سرود فرارویی اراده گل‌سنگ کوچکی بر قدرت استقامت تخریب شده سگی بزرگ. این چنین است که انسان زاده می‌شود.

انسانها گونه‌گونند. برخی با آنکه همین امروز "زندگی" می‌کنند،



به گذشته تعلق دارند و چیز به زبان ماضی نمی‌توان از آنها سخن گفت. برخی با آنکه همین امروز زندگی نمی‌کنند، به آینده تعلق دارند و

نیوشا از زمره آنانست. از پیکرش بیامی آفرید. بیامی که از قلبش برخاسته بود، "با شور به زندگی ادامه می‌دهیم و در اعماق وجودمان چیزی، هسته‌ای، کانونی، اعتقادی، حقیقتی... هست که ما را به جلو می‌راند و به مانع می‌دهد که از پای نباید بنشینیم - به هر قیمتی که شده...". نیوشا ستایشگر زندگی بود، نیوشا عشق به زندگی را در نفرت به برده‌پرستان بسته می‌دید. او نه تنها با اقدام حماسی خود بر حلقوم رژیم آزادی‌کش آدمی‌خوار خمینی چنگ فرو برد، بلکه بازتابگر نفرت خلق از "عسکر زمر آلود چوچه فاشیست‌های شاه‌الهی" بود. ستایش

نیوشا، ستایش ستایشگر زندگی است. یادش همواره گرامی است ●

دست خط دیگری از آخرین روزهای زندگی نیوشا

بسی سبک تکلیف فزنا و دولت کسوف

نیوشا فری

عاشق، در صند، منتظر

هوار سازمان پر یک ما خدای خلق ایران

با سینه بیست و هشت ساله، تسبیح (لوس آبلین).

تذکار: اگرین در این نبرد کوی با آتش از یاد آیدم، دوست دارم رقصم و همه دیگران ببلندند که هنگام یزسن این بار راست خود را از زندگی می‌سازم و تمام به نظر لطف کوش می‌دارم و سوا می‌کسی نوسیدم، هرگز کاهی کل ما لطیف و زیبای روی سحریم رای بوسیدم، کسره به تصویر می‌که به او عاشقم و لذت برتر و بازین تر از آتش، تار لطف، سوا کس کل است؛ نگاه کردم و آندون نیز "عاشقانه" بی از سلسله نوز خواهم خواند و بی بی به وایم آنه بی نوزم زرد به ناله می‌بیاور و نامه بی‌های برای روزگانه می‌بازین دیگر که به آنها هم عاشقی هستم، زویا و پیام، خواهم نوشت، بی بی جاق خواهد کرد، استقامتاً طبعی از "ان سالها" ای هادوشین کل با قفسه می‌از بر تمام بر امتحان خواهد خواند... در تمام این مدت به مارم و تمام ناهید دیگر گرام و می‌دارم کل در روز آندره هم به آنها فکر خواهم کرد - امیدوارم که برادر گندز رفیقم مرعی است که دعوت من می‌کنند که بیوردم است! به او گفتم دوست بازین اگر می‌کسی مین می‌اندز و لذت لالی کرد، قرن‌ها پیش زندگی بسیار به تعطیل می‌گشت! ... یک لحظه فراموش نخواهم کرد که زندگی حقیر زیاست که در ایران، از نقای جنوبی کرستان، فلسطین، سیران، مال هوار و... روزها خون جاری است. یار دیگر بر این امتحان بیامی می‌دارم که اگر صاهتر مژدن را ندانیم، هرگز هنوز زیستن و عشق و ورزشین را کامل فرا نخواهیم گرفت و این با شهادت بی‌موجم صدهای در تضاد کامل است. یادش به دولت عشق





تدوین نخستین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

بقیه از صفحه آخر

چنین خلاصه کرد: "هرگاه نمایندگان پیشرو طبقه کارگر، به اندیشه‌های سوسیالیسم علمی رسیده باشند، هرگاه به رسالت تاریخی کارگر روس پی برده باشند، هرگاه این اندیشه‌ها رواج گسترده‌ای یافته، کارگران سازمانهای مستحکم بنیان گذاشته و این سازمانها مبارزه اقتصادی امروز کارگران را که پراکنده است، به مبارزه طبقاتی آگاهانه تبدیل کرده باشند - آنگاه کارگر روس برخواد خاست، در راس همه عناصر دمکرات قرار خواهد گرفت و حکومت مطلقه را سرتکون خواهد کرد و پرولتاریای روس (دشادوش پرولتاریای همه کشورها) در راه مستقیم مبارزه آشکارسپاسی به سوی انقلاب پیروزمند کمونیستی پیش خواهد رفت."

تدارک برنامه حزب، همچنین مستلزم مبارزه پیکر با "مارکسیستهای قانونی" بود. اینان با حکم مارکسیستی مترقی بودن سرمایه‌داری در مقابل فئودالیسم موافق بودند، با ایدئولوژی خلق‌گرایی (نارودنیسم - م) نیز مبارزه می‌کردند، اما با سوسیالیسم پرولتری مخالفت می‌ورزیدند. بگونه‌ای که لنین بعدها خاطرنشان کرد، آنها مارکسیسم را از محتوای انقلابی آن تپتی می‌کردند، بطوری که برای پرولتاریای لیبرال هم پذیرفتنی می‌شد، و می‌کوشیدند چنین کارگری را به دنباله‌رو لیبرالها تبدیل کنند. نظرات آنها که مشابه نظریات برنشتاینی‌ها - که اندکی بعد مطرح شدند - بود، توسط لنین در اثرش به نام "محتوای اقتصادی جریان خلق‌گرایی و انتقاد از آن در کتاب آقای استرووه"، منتشره در آوریل ۱۸۹۵، به نقد کشیده شد. لنین در این اثر خاطرنشان کرد که ضروری است استدلال پتر استرووه در کتابش بنام "ملاحظات انتقادی درباره رشد اقتصادی روسیه"، کام به کام دنبال شود تا ضرورت طرح مسئله به‌گونه‌ای دیگر، ضرورت کاربست بهیچ‌بهرتر تئوری تضادهای طبقاتی مورد تاکید قرار گیرد."

لنین نشان داد که استرووه رشد سرمایه‌داری را تقدیس می‌کند، و به توصیف شکل نوین آنتاگونیسم طبقاتی که در جریان این رشد تکوین می‌یابد، و تحلیل وظایف سوسیالیستی پرولتاریا نمی‌پردازد. لنین در چند جای اثر خود شرح داد که چگونه استرووه از موضع عینی‌گرایی پرولتاریایی و نه موضع مارکسیستی دست به قلم برده است. در این رابطه لنین، تفاوت بنیادین میان برخورد عینی‌گرایانه و برخورد مارکسیستی به پژوهش روندهای اجتماعی را آشکارا و اصل مارکسیستی چنان‌داری علوم اجتماعی را مدلل کرد. آن فرد عینی‌گرایی که مانند استرووه، به گفته لنین بدین اکتفا می‌کند که "ضرورت روند تاریخی موجود" را پس‌بگرد و در مرحله تشخیص "گرایش‌های تاریخی اجتناب‌ناپذیر" متوقف ماند، "همواره ممکن است در موضع توجیه‌گر این واقعیات قرار

شجاعانه بودن اندیشه لنین را علاوه بر تایید آن در عمل، می‌توان در این امر دید که بسیاری از سوسیال دمکراتهای دهه ۹۰، از جمله گنورگی پلخانف، تلویزیون برچسته و بنیانگذار سوسیال دمکراسی روسیه، نظر به کلی متفاوتی داشتند. پلخانف معتقد بود که در روسیه نیز مانند اروپای غربی در زمان انقلاب دمکراتیک، پرولتاریا در راس جنبش ترقیخواه قرار خواهد گرفت. لنین در این اثر همچنین برای نخستین بار از "اندیشه اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان به‌منابه نیروی تعیین‌کننده، به‌منابه شرط اصلی سرنوشتی تزاریسیم، ملاکین و پرولتاریا و ساختمان جامعه کمونیستی" دفاع کرد.

توضیح رابطه طبقه کارگر با خرده‌پرولتاریا و برنامه‌های آن، برای تدوین برنامه حزب بسیار مهم بود. لنین در حل این مسئله از خصلت دوگانه این طبقه حرکت کرد. این طبقه تا جایی مترقی است که خواستهای عام دمکراتیک را طرح کند که سمت آنها علیه بقایای سواژ باشد و از آن رو ارتجاعی است که برای حفظ موقعیت خود به‌منابه خرده‌پرولتاریای مبارزه می‌کند و می‌کوشد رشد عمومی کشور در مسیر پرولتاریایی را متوقف کند و به عقب برگرداند. لنین، که در اثر خود بطور همه جانبه با ایدئولوژی ارتجاعی خلق‌گرایان لیبرال مقابله کرد، در عین حال ضروری می‌دانست که از خواستهای دمکراتیک خرده‌پرولتاریای که سمت آن علیه فئودالیسم، علیه بی‌زمینی دهقانان، عوارض شکنین و به‌پردگی کشیده شدن آنها توسط بوروکراسی بود، حمایت شود. وی نوشت، "در مطالعه محو این بدبیا، هیچ چیز سوسیالیستی وجود ندارد، چرا که این خواستها به هیچ وجه ستم‌استقامت را توضیح نداده، بندگی کار توسط سرمایه را به کلی دست نخورده می‌گذارد. اما محو این بدبیا، این بندگی را از وجه قرون وسطایی افزوده شده بر آن، رها می‌کند، وجهی که تقویت‌کننده این بندگی است. محو آنها، برای کارگران مبارزه مستقیم با سرمایه راهل‌تر می‌کند و بنابر این به‌منابه یک خواست دمکراتیک، از حمایت عملی کارگران بهره‌مند خواهد شد."

لنین بدین‌گونه، به‌روشنی رابطه طبقه کارگر و حزب او با خرده‌پرولتاریا و دمکراسی دهقانی را تعیین کرد. این امر برای تحقق هم‌مونی طبقه کارگر در مبارزه همه مردم در انقلاب پرولتاریا - دمکراتیک که تکوین می‌یافت، - حائز اهمیت زیادی بود.

لنین در این اثر، با اشاره به رابطه انقلاب پرولتاریا - دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی، چشم‌انداز مبارزه طبقه کارگر را تا پیروزی در انقلاب سوسیالیستی، ترسیم کرد. وی "وظیفه بلافاصله کارگران را "سازماندهی یک حزب سوسیالیستی کارگری" دانست. لنین مهمترین ضروریات مبارزه پیروزمند طبقه کارگر روسیه را

" طرح و توضیح برنامه حزب سوسیال دمکرات"، که او در سالهای ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ در زندان نوشت، و نیز آثار "برنامه‌ما" و "طرح برنامه حزب ما" که در سال ۱۸۹۹ در تبعید در سیبری نگاشته است. بسیاری از آثار لنین که وی در آن به مبارزه با مخالفان مارکسیسم و مدلل کردن اصول مهمی که در طرحهای برنامه، نقدهای برنامه و سپس در برنامه مصوب کنفرانس دوم ج. س. د. ک. رتبلور یافت، پرداخت، به تدوین برنامه حزب اختصاص دارد. وی با تدوین اصول راهنمای برنامه‌ای، به مارکسیستهای روس، کمک کرد که به نظرات سیاسی درست دست‌یابند و به امر انسجام ایدئولوژیک و سازمانی آنها یاری رسانند.

نخستین اثر بزرگ لنین به نام "دوستان خلق" کیانند و چگونه بر ضد سوسیال دمکراتها مبارزه می‌کنند؟ نقش مهمی در تدارک برنامه حزب ایفا کرد. وی در این اثر به مقابله با ایده آلیسم ذهنی خلق‌گرایان لیبرال برخاست. اینان منکر قابلیت انطباق مارکسیسم بر شرایط روسیه بودند و نمی‌خواستند بپذیرند که طبقه کارگر در روسیه نیز متعهد بود که رسالت تاریخی - جهانی خود به عنوان گورکن سرمایه‌داری و آفریننده جامعه نوین کمونیستی را که توسط مارکس و انگلس بگونه‌ای علمی مستدل شده بود، اجرا کند. خلق‌گرایان لیبرال می‌کوشیدند دکترین قدیمی سوسیالیسم دهقانی را بر شرایط اقتصادی کشوری منطبق کنند که مدت‌ها بود راه سرمایه‌داری را در پیش گرفته بود.

لنین بر پایه تحلیل مارکسیستی رشد اجتماعی، در این اثر ثابت کرد که در روسیه هیچ مناسبات اجتماعی - اقتصادی دیگری به جز مناسبات پرولتاریایی و مناسبات روبه زوال فئودالی وجود ندارد و از این رو هیچ راه دیگری به سوسیالیسم به جز از طریق جنبش کارگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. این راهی است که مارکس و انگلس به کارگران همه کشورها نشان داده‌اند، راه مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر ضد پرولتاریای لیبرال. این استدلال لنینی بر ضد حملات خلق‌گرایان لیبرال، اهمیت اصولی خود را برای رد همه کوشش‌های ضد مارکسیستی برای نشان دادن راههای دیگر و یا الگوهای رویزیونیستی به جای راه نشان داده شده توسط مارکسیسم - لنینیسم، حفظ کرده است.

این اثر لنین به‌ویژه از آن رو راهنماست که وی در آن به عنوان نخستین مارکسیست در روسیه، "استدلالی تلویحی برای رسالت تاریخی طبقه کارگر روسیه به‌عنوان هم‌مونی، به‌عنوان نیروی انقلابی رهبری‌کننده و پیشرو جامعه، به‌عنوان رژیمده به‌بهر بر ضد تزاریسیم و سرمایه‌داری و برای رهایی همه مردم زحمتکش و استثمار شده و انقلاب پیروزمند سوسیالیستی" ارائه کرده است. عظمت و

کیرد." اما یک ماتریالیست، تضادهای طبقاتی نهفته در این پدیده‌های تاریخی را می‌شکافد و موضع خود را مطابق با منافع طبقه انقلابی پیشرو تعیین می‌کند. این بدان معنی است که مارکسیسم به هر پدیده اجتماعی از موضع منافع طبقه کارگر و مبارزه‌اش برای سوسیالیسم می‌نگرد. لنین نوشت: "ماتریالیسم به عبارتی متضمن چنانچه‌اری است، زیرا متعهد است که در هر ارزیابی از یک رویداد، مستقیماً و آشکاراً در موضع یک گروه معین اجتماعی قرار گیرد." پتر استرووه، با پوشش عینی‌گرایی بورژوازی، تلاش بورژوازی لیبرال برای مخدوش کردن تضادهای طبقاتی و اکتفا کردن به اصلاح نظام موجود را استقامت می‌کرد. چند سال بعد پرشتابانی‌ها نیز نظرات مشابهی مطرح کردند. "انتقاد لنین از نظرات استرووه، آغازگر دوره تاریخی مبارزات سخت مارکسیستهای انقلابی بر ضد رویزیونیسم بین‌المللی بود، که برادر فکری آن در روسیه، "مارکسیسم قانونی" محسوب می‌شد."

مبارزه بر ضد رویزیونیسم و مرزبندی قاطع سوسیالیسم پرولتری با لیبرالیسم بورژوازی که می‌کوشید جنبش کارگری در حال قدرت‌گیری را تحت نفوذ خود گیرد، مانند خط سرخی از میان همه آثار دیگر لنین در تدارک برنامه حزب می‌گذرد. یک مشخصه اساسی کار لنین، پیوند ناگسستنی تئوری و پراتیک بود. لنین در این پیوند، مهمترین تضمین علیه دکماتیسم و فرقه‌گرایی را می‌دید. وی در "دوستان خلق" می‌نویسد: "کیانند و چگونه بر ضد سوسیال دمکراتها مبارزه می‌کنند؟" تاکید کرد که کار تئوریک مارکسیستهای روس باید "پرسی مشخص همه اشکال آشتاگونیسم اقتصادی در روسیه" و تعیین راههای مبارزه طبقه کارگر و حزبش باشد و به مسائلی "که پرولتاریا مطرح میکند" پاسخ دهد. "آنچه‌ای که تطابق با روند عینی رشد اجتماعی-اقتصادی به عالی‌ترین و نهنها معیار سنجش یک نظریه تبدیل شود، دکماتیسم نمی‌تواند وجود داشته باشد و وقتی وظیفه آن باشد که به امر سازماندهی پرولتاریا کمک شود... فرقه‌گرایی نمی‌تواند وجود داشته باشد".

لنین بدون تردید راهمن، پایه کل فعالیت انقلابی لنین بود. لنین در کنار مبارزه‌اش با دشمنان مارکسیسم در تدارک برنامه حزب، کار ایدئولوژیک و سازمانی همه جانبه‌ای در میان کارگران پترزبورگ انجام می‌داد. وی در سال ۱۸۹۵، "اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" را بنیان نهاد. لنین بعدها، هنگامی که در سیبری در تبعید به سر می‌برد، در ادامه تدارک برنامه حزب بر تجارب این نخستین نطفه یک حزب انقلابی تکیه کرد.

بنیان تئوریک کار را اندیشه‌های اساسی مارکسیسم تشکیل می‌دادند. چند سال بعد لنین تاکید کرد که مارکسیستهای انقلابی روس "کاملاً از اندیشه‌های بنیادین مارکسیسم، بدانگونه که در "مانیفست کمونیستی" و در برنامه‌های سوسیال دمکراتهای اروپای غربی بازتاب یافته‌اند" بی‌روی می‌کنند.

لنین نخستین طرح برنامه را با عنوان "طرح و توضیح برنامه حزب سوسیال دمکرات" در سالهای ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ در زندان نوشت. وی برنامه را در دسامبر ۱۸۹۵، و توضیحات درباره آن را در ماههای ژوئن و ژوئیه ۱۸۹۶ به رشته تحریر درآورد. همانگونه که لنین نوشت، برنامه متشکل از سه بخش است. بخش نخست، بخش تئوریک، از "همه نظراتی که مابقی بخشهای برنامه منتج از آن است" تشکیل شده است.

در این بخش، رشد سرمایه‌داری در روسیه مورد

تحلیل قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که "طبقه کارگر در جامعه نوین چه جایگاهی دارد". در این بخش، هم هدف نهایی و هم وظیفه مقدم و بلافصل پرولتاریای روس تعیین می‌شود. درباره رسالت تاریخی و هدف نهایی پرولتاریای روس آمده است: "این مبارزه طبقه کارگر بر ضد طبقه سرمایه‌دار، مبارزه‌ای بر ضد همه طبقاتی که از کار دیگران زندگی می‌کنند و مبارزه‌ای با هر گونه استثمار است. این مبارزه تنها می‌تواند با انتقال قدرت سیاسی به دست طبقه کارگر، با انتقال همه زمین‌ها، ابزارها، کارخانجات، ماشین‌ها و معادن به دست کل جامعه به منظور سازماندهی تولید سوسیالیستی، که در آن همه محصولات کارگران و هر گونه بهبود تولید در خدمت خود زحمتکشان است، پایان پذیرد." در بخش تئوریک نیز اشاره می‌شود که "جنبش طبقه کارگر روس" پهنانه خصلت و هدف خود "بخشی از جنبش بین‌المللی (سوسیال دمکراتیک) طبقه کارگر همه‌کشورها" را تشکیل می‌دهد. اندیشه انترناسیونالیسم پرولتری ناظر بر همه آثار برنامه‌ای لنین است. با حرکت از این نکته که حکومت خودکامه تزاری مانع اصلی بر سر راه مبارزه طبقه کارگر روس برای آزادی خود بود، سرنگونی این حکومت خودکامه به مثابه وظیفه سیاسی مقدم مبارزه طبقه کارگر روس تعیین شد.

بخش دوم، به وظیفه حزب و رابطه آن با سایر جریانات سیاسی روسیه می‌پردازد. لنین آن بند از برنامه را که وظایف حزب را معین می‌کند، مهمترین بند می‌دانست. همانگونه که لنین نوشت، وظیفه حزب آن بود که "با ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران، یاری رساندن به سازماندهی آنها و نشان دادن اهداف و وظایف مبارزه‌به آنها در این مبارزه به طبقه کارگر کمک کند." در این طرح در مورد رابطه حزب با سایر جریانات آمده است: "حزب سوسیال دمکرات روس، بدون اینکه خود را از جنبش کارگری جدا کند، از هر جنبش اجتماعی که ست آن علیه قدرت نامحدود حکومت استبدادی، علیه طبقه زمین‌داران اشرافی ممتاز و علیه بقایای سرواژ نظام بسته مبنی بر اقتشار باشد، نظامی که مانع رقابت آزاد است، حمایت خواهد کرد."

لنین در بخش سوم طرح، و وظایف عملی حزب در عرصه تحولات عمومی دولتی، خواستهای طبقه کارگر و نیز خواستهایی به سود دهقانان را فرموله کرد. این خواستها از جمله عبارتند از: "فراخواندن سسکی سوپور (مجلس ملی) از نمایندگان همه شهروندان به منظور تدوین قانون اساسی"، "آزادی عقیده و برابر حقوقی همه ملیت‌ها"، "محدودیت برابری روز کار به ۸ ساعت" و "بازپس دادن زمین‌های "دشنگد" از املاک دهقانان در سال ۱۸۶۱ به دهقانان". بدین ترتیب لنین در همان نخستین طرح برنامه، هدف نهایی و وظیفه سیاسی مقدم مبارزه کارگران را نشان داده، خواستهای مشخص حزب سوسیال دمکرات برای کارگران و دهقانان را مطرح کرد. خواستهای دهقانی متوجه گسترش مبارزه طبقاتی در روستا و برقراری اتحاد کارگران و دهقانان بود.

ساختار و ترکیب این نخستین طرح برنامه لنینی، عمدتاً مطابق با برنامه ارفورت حزب سوسیال دمکرات آلمان بود. لنین با این برنامه و نیز اسناد برنامه‌ای گروه "آزادی کار" آشنا بود. وی احتمالاً برنامه‌های سایر احزاب سوسیالیست را نیز خوانده بود. آنچه لنین در آن زمان هنوز نخوانده بود، یادداشت‌های انتقادی انگلس بر برنامه ارفورت بود که در سال ۱۹۰۱ منتشر شد.

طرح لنینی، که وجوه مشترک زیادی با موارد

مشابه برنامه ارفورت دارد، نشان می‌دهد که لنین با توجه به ویژگی‌های رشد اقتصادی و سیاسی روسیه، که به ویژه در رابطه با وظایف سیاسی و شیوه‌های مبارزه و نیز مبارزه علیه همه بقایای رژیم پادشاهی ماقبل سرمایه‌داری بود، برخورد خلقی به بهره‌گیری از تزیهای مارکسیستی درست این برنامه داشت.

یک تفاوت مهم میان دو برنامه در این بود که در طرح لنینی فصلی به خواستهای دهقانی اختصاص داشت. در برنامه ارفورت چنین فصلی نبود.

یک سال بعد، در سال ۱۸۹۷، لنین در تبعید در سیبری جزوه "وظایف سوسیال دمکراتهای روس" را نوشت و در آن تجارب "اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" را جمع‌بندی کرد. این جزوه در سال ۱۸۹۷ از سوی گروه "آزادی کار" در ژنو منتشر شد و از زمره "مهمترین اسناد برنامه‌ای سوسیال دمکراتهای انقلابی روس در دوره مبارزه برای بنیان‌گذاری حزب" بود. لنین در این اثر هم به پیوند ناگسستنی و هم به تفاوت میان وظایف سوسیالیستی و دمکراتیک طبقه کارگر روسیه اشاره کرد. لنین نوشت فعالیت عملی سوسیال دمکراتها باید متوجه آن باشد که "مبارزه طبقاتی پرولتاریا را رهبری و این مبارزه را در دو شکل آن سازماندهی کنند: سوسیالیستی (مبارزه بر ضد طبقه سرمایه‌دار با هدف ناپودی جامعه طبقاتی و برپایی یک جامعه سوسیالیستی) و دمکراتیک (مبارزه بر ضد حکومت مطلقه با هدف دستیابی به آزادی سیاسی در روسیه و دمکراتیزه کردن نظام سیاسی و اجتماعی)".

توضیحات لنین در باره تفاوت میان ترویج و تبلیغ سوسیالیستی و دمکراتیک نیز که در این اثر آمده است، اهمیت زیادی دارد. به نوشته لنین، در حالی که پرولتاریا در اولی "کاملاً تنهاست و هم ملائجه اشرافی و هم بورژوازی با او مخالفتند، و حد اکثر (آن هم به هیچ وجه نه همیشه) از حمایت عناصری از خرده‌بورژوازی که به پرولتاریا گرایش دارند برخوردار است"، طبقه کارگر روس در مبارزه دمکراتیک تنها نیست. لنین نوشت در این مبارزه "همه عناصر، اقتشار اجتماعی و طبقات به لحاظ سیاسی مخالف، به میزانی که به مقابله با حکومت مطلقه برخیزند و به این شکل با آن مبارزه کنند" در کنار طبقه کارگر قرار می‌گیرند. بدین طریق

لنین بر ضرورت رهبری و سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا در دو شکل آن، عدم اکتفا به مبارزه اقتصادی بر ضد بورژوازی و پیوند دادن آن با مبارزه دمکراتیک سیاسی بر ضد حکومت خودکامه تزاری تاکید کرد. همانگونه که لنین نوشت، مسئله موضع طبقه کارگر در قبال عناصر مختلف اپوزیسیون که در این مبارزه در کنار پرولتاریا قرار می‌گیرند، "با صراحت کامل توسط اصول مشروع سوسیال دمکراتی در "مانیفست کمونیستی" معروف، تعیین شده است" در این رابطه لنین از اصول فرموله‌شده در فصل چهارم "مانیفست" حرکت کرده، موضع سوسیال دمکراتهای روس در قبال عناصر اپوزیسیون را تعیین کرد: "سوسیال دمکراتها از طبقات مترقی اجتماعی در مقابل طبقات ارتجاعی، از بورژوازی در مقابل نمایندگان قشر ممتاز ملاک و ماموران دولتی، از بورژوازی بزرگ در مقابل هوس‌های ارتجاعی خرده‌بورژوازی پشتپنهانی می‌کنند."

این اثر این‌سؤال را طرح کرد که آیا سوسیال دمکراتها نباید با عناصر مختلف اپوزیسیون در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه متحد شوند؟ در اینجا نیز لنین به عنوان راهنمای پاسخ‌دهی، "مانیفست حزب کمونیست" را به کار گرفت. مارکس و انگلس در مانیفست این وظیفه را فرآوری کمونیستها قرار دادند که "نزد کارگران، آگاهی حتی المقدور روشنی بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

درباره تضاد آشنی ناپدید میان بورژوازی و پروولتاریا شکل دهند".
لنین با انطباق این اصول اولیه بر شرایط مبارزه طبقاتی در روسیه تاکید کرد که سوسیال دمکراتهای روس، اگر هم "به همستگی این یا آن گروه اپوزیسیون یا کارگران اشاره کنند، همواره کارگران را بطور ویژه برحسب خواهند کرد، همواره خصلت موقتی و مشروط این همستگی را روشن خواهند کرد، همواره بر موقعیت به لحاظ طبقاتی ویژه پروولتاریا که همین فردا می تواند دشمن متحدان امروز خود باشد، انگشت خواهند گذاشت".

لنین موقعیت ویژه طبقه کارگر در مبارزه با حکومت مطلقه و نقش او به مثابه پیشاهنگ مبارزه برای آزادی سیاسی و دمکراسی را به ویژه با این امر مدلل کرد که تنها طبقه کارگر دشمن تا به آخر پیگیر حکومت مطلقه است. وی افزود: "مخالفت همه طبقات، گروهها و اقشار دیگر مردم با حکومت مطلقه، شامه و نه نیست، دمکراتیسم آنها همواره نظر به عقب آنها دارد".
تنها پروولتاریاست که قادر است "دمکراتیزه کردن نظام سیاسی و اجتماعی را تا به آخر پیش برد، زیرا با چنین دمکراتیزه کردنی، این نظام به دست کارگران خواهد افتاد".
بدین ترتیب لنین همان زمان از لحاظ اصولی ثابت کرد که تنها پروولتاریا مدافع تا به آخر پیگیر دمکراسی است. لنین شرط مهم تحقق نقش رهبری طبقه کارگر در جنبش انقلابی را این می دانست که طبقه کارگر اهداف طبقاتی خود را پنهان ندارد، سوسیال دمکراتهای روس، تئوری انقلابی را "از تفسیرهای نادرست حفظ کنند" و "اتحادهای عملی... در هیچ مورد به سازش یا امتیاز دادن در تئوری، برنامه و... جنبش نیانجامد".
در کنار همه این مسائل، به ویژه موقعیت ویژه طبقه کارگر در ادامه تدوین برنامه حزب، نقش مهمی داشت. به نوشته لنین، پاکیزه نگه داشتن تئوری مارکسیستی در مقابل همه تلاشهای رویزیونیستی، برای به تبعیت درآوردن جنبش کارگری جوان در روسیه از دکتربین های کمتر صریح، جایگاه مهمی در کار تدارک برنامه حزب به خود اختصاص می داد. این کار محدود به جنبش کارگری روسیه نمی شد، چرا که این جنبش، بخشی از جنبش سوسیال دمکراتیک بین المللی بود، تحت تاثیر آن قرار داشت و خود بر آن تاثیر می گذاشت. از این رو لنین با دقت بسیار جنبش کارگری بین المللی و روس را دنبال می کرد و فعلا نه نسبت به روندهایی که در آنها جریان داشت، و انگشت نشان می داد.

هنگامی که لنین در تبعید سیبری، کتاب "شرایط سوسیالیسم و وظایف سوسیال دمکراتها" را خواند، فوراً در یک نامه به بی پایه بودن این "نقد" مارکسیسم اشاره کرد. وی در نامه ای به مادر خود نوشت، "این کتاب به لحاظ تئوریک پگونه ای باور نکردنی ضعیف و تکرار افکار دیگران است؛ لفاظی در باره انتقاد، بدون اینکه حتی تلاشی برای انتقاد جدی و مستقل باشد. به لحاظ عملی، به معنای اپورتونیسم است... آنها اپورتونیسم ~~چپ~~، زیرا برنشتاین نمی خواهد خود برنامه را دستکاری کند. تردیدی نمی تواند وجود داشته باشد که شکست خواهد خورد".
لنین در بسیاری از آثار خود با رویزیونیسم به سبک برنشتاین و همه اشکال مشابه رویزیونیسم مبارزه کرد و سرمشتقی در مبارزه پیگیر ضروری با رویزیونیسم که تا امروز نیز متعمر است، ارائه داد.

مبارزه پیگیر و موفقیت آمیز با اپورتونیسم و رویزیونیسم، تعیین کننده این بود که جنبش کارگری روسیه چه راهی در پیش خواهد گرفت، راه مبارزه

انقلابی یا راهی که به اصلاحات اکتفا کند. هیچ کس این پیوند را به صراحتی که لنین می دید، ندیده بود. این امر، موضع آشتی ناپذیر او در برابر همه تلاشها برای کشاندن جنبش کارگری به کوره راههای رفرمیستی را توضیح می دهد.

اینگونه تلاشهای رفرمیستی در آن سالها به ویژه از سوی "اکونومیستها" انجام می گرفت. آنها نظرات اپورتونیستی خود را در نشریه "راهچوبه دلو"، ارگان تشکیلات خارج از کشور سوسیال دمکراتهای روس و در "راهچوبایمیزل" ترویج می کردند. این نظرات همچنین در پلاتفرمی که نام "مرامنامه" بر آن گذاشته بودند و توسط د.د. کوسکوا تالیف و منتشر شده بود، آمد. در "مرامنامه" ضمن ابراز مخالفت با مبارزه سیاسی بر ضد حکومت مطلقه، از جمله آمده است: "نیروهای ضعیف کارگران... در برابر دیوار سروکوب سیاسی ایستاده اند، و برای آنها... راههای عملی برای مبارزه با این بیوغ وجود ندارد".
نظر اپورتونیستی آنها در باره نقش حزب پرولتری چنین بود: "دم زدن از حزب سیاسی مستقل کارگری چیزی نیست جز محصول انتقال وظایف دیگران و نتیجه گیریهای دیگران به عرصه ما".
به نوشته آنها، تنها راه مارکسیستی روس در "شرکت در مبارزه اقتصادی پروولتاریا، یعنی پشتیبانی از این مبارزه، و شرکت در فعالیت لبرالی-اپوزیسیونی" بود. لنین در "اعتراض سوسیال دمکراتهای روس"، که در اوت ۱۸۹۹ فوراً از سوی هفده سوسیال دمکرات تبعید شده به سیبری امضا شد، بدین اثر رفرمیستی پاسخ داد. وی خطر دور شدن سوسیال دمکراسی روس از راه در پیش گرفته شده تشکیل حزب سیاسی مستقل کارگری، که پیوند ناگسستنی با مبارزه طبقاتی پروولتاریا داشته باشد و "دستیابی به آزادی سیاسی را وظیفه مقدم خود قرار دهد"، خطری که از "اکونومیسم" ناشی می شد، را افشا کرد. "اعتراض سوسیال دمکراتهای روس" در عین حال هم علیه رویزیونیسم روس و هم بر ضد رویزیونیسم بین المللی بود. لنین نوشت: "برنشتاینیسم معروف سه گونه ای که معمولاً توسط طیف وسیع بطور عام، و نویسنده گان "مرامنامه" بطور خاص، درک می شود: سه معنای تلاش برای محدود کردن تئوری مارکسیسم، تلاش برای تبدیل حزب انقلابی کارگری به حزب رفرم است".

رویزیونیستها هم در روسیه و هم در احزاب سوسیال دمکرات اروپای غربی دست به چنین تلاشهایی می زدند. در "اعتراض سوسیال دمکراتهای روس" همه سوسیال دمکراتها فراخوانده شدند که "به کل مجموعه اندیشه هایی که در "مرامنامه" بازتاب یافته است، قاطعانه اعلان جنگ دهند".
تحکیم حزب و تدوین برنامه حزب، در این "اعتراض" وظیفه همه سوسیال دمکراتهای روس قلمداد شده است.

ایجاد و تحکیم حزب انقلابی طبقه کارگر، تدوین برنامه حزب، مبارزه با دشمنان آشکار مارکسیسم و آنهایی که قصد "تجدیدنظر" در آن را داشتند و نیز تکامل مارکسیسم، در فعالیت لنین یک کل واحد را تشکیل می دادند. در تحلیل نهایی، هدف لنین از تدوین برنامه نیز مدلل کردن همه جانبه و به کرسی نشاندن اندیشه سرکردگی پروولتاریا در انقلاب خلقی در حال شکل گیری بود. مدلل کردن و تکامل این اندیشه، مانند خلسرخی از همه آثار برنامه ای لنین می گذرد. این امر از جمله به میزان ویژه ای در مورد اثر وی به نام "رشد سرمایه داری در روسیه" صادق است. وی در این اثر، رشد اجتماعی-اقتصادی روسیه را تحلیل و استدلالی تئوریک برای برنامه حزب ارائه کرد. سوتیتیر کتاب، "روند تشکیل بازار داخلی

برای صنایع بزرگ" بود. این کتاب بطور قانونی با نام مستعار، اولین بار در سال ۱۸۹۹، هنگامی که لنین در سیبری در تبعید بود، منتشر شد.

لنین، تز اصلی اقتصاددانان خلق گرامسکی بر اینکه "سرمایه داری روس فاقد پایه است"، چرا که گویا بازار داخلی به واسطه فلاکت توده ها محدود است، با این اثبات رد کرد که بازار داخلی "از طریق رشد موازی سرمایه داری در کشاورزی و صنعت، از طریق تشکیل طبقه سرمایه داران کشاورزی و صنعتی از یک سو و از سوی دیگر، طبقه کارگران مزدبگیر کشاورزی و صنعتی" ایجاد می شود.

لنین، شرایط طبقاتی در روستای روسیه را تحلیل کرد و نشان داد که چگونه در آنجا سرمایه داری با حفظ بسیاری از بقایای سواژ که هرکل دهقانان سنجینی می کردند، رو به رشد بود و بنابراین کل دهقانان در محو این بقایا که "مانع عظیمی بر سر راه کل تکامل اجتماعی" بود، ذینفع بودند. بدین ترتیب لنین مبنای اجتماعی-اقتصادی اتحاد طبقه کارگر با دهقانان در انقلاب بورژوا-دمکراتیک در حال شکل گیری را آشکار کرد.

لنین با بررسی و تحلیل آمارهای شوراهای محلی و نیز آمارگیری های ارتش در باره تعداد اسبها نوشت: "تجزیه دهقانان، دو نوع جدید از جمعیت روستایی ایجاد می کند و به ضرر گروههای "میانی"، گروههای بالا و پایین دهقانان را رشد می دهد".

بورژوازی روستایی که به لحاظ عددی اقلیت کوچکی از کل دهقانان را تشکیل می دهد، اما به لحاظ اقتصادی در روستا دست بالا را دارد، و نیز "پروولتاریای روستا، طبقه کارگران مزدبگیر دارای سهم زمین" با نماینده ویژه اش، یعنی "کارگر مزدبگیر دائمی" شکل می گیرد. لنین بر پایه بررسی آمارهای محلی درباره ۶۶ خانوار دهقانی ثابت کرد که این پروولتاریای روستایی، یعنی همه دهقانان فاقد اسب و بخش اعظم دهقانان دارای یک اسب، که شامل بخشی نه کمتر از نصف همه خانوارها بودند، به معنای واقعی کلمه، گرسنگی می کشیدند و بدون فروش نیروی کار خود نمی توانستند امر ارمعاش کنند. لنین از این طریق، نتیجه گیری ای را که در سایر آثار خود بدون الزام به دقت گرفتن سانسور تزاری انجام داده بود، مدلل و ثابت کرد که دقیقاً همین پروولتاریای روستایی توده وسیع دهقانان فقیر، متحد طبقه کارگر در انقلاب سوسیالیستی خواهند بود.

لنین بطور همه جانبه رشد سرمایه داری در صنعت را بررسی، و بر این مباحث مونی پروولتاریا در انقلاب بورژوا-دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را مدلل کرد. وی نظرات نادرست ایدئولوگ های خلقی گرا را که اشکال اولیه رشد و راههای رشد سرمایه داری مانع تولید خرده کالایی (عمدتاً کار و کسب خرد دهقانی) را نادیده گرفته تنها صنعت کارخانه ای و کارگاهی را سرمایه داری می دانستند و آن را برای زندگی روسیه پدیده ای "مصنوعی" و تحمیلی قلمداد می کردند، رد کرد و در این رابطه، دست به افشای اشکال سخت و بسیار عقب مانده استعمار در "تولید خلقی" تقدیس شده از سوی خلق گرایان و نشان دادن رابطه مستقیم همه مراحل اصلی رشد سرمایه داری در صنعت روسیه زد. لنین نوشت، "انگونه که واقعیات به روشنی کامل نشان می دهند، گرایش اصلی تولید خرده کالایی به سمت رشد سرمایه داری است، به ویژه در شکل گیری مانوفاکتور، و مانوفاکتور نیز خود در برابر چشمان ما با بیشترین سرعت به صنعت بزرگ ماشینی فرامی رود".
لنین نشان داد این امر به معنای "تشدید و گسترش همه جنبه های منفی

سرمایه داری و در عین حال، اجتماعی شدن همه چانه‌په کار توسط سرمایه داری" است. این روند، تهلور "پراپند شرایط اجتماعی امروز" است که پرولتاریا در آن "پیشاهنگ کل توده زحمتکشان و استثمارشدگان" را تشکیل می‌دهد. سرمایه داری از این طریق شرایط مادی عینی برای انقلاب سوسیالیستی را ایجاد می‌کند. نقش ترفیخ‌خواهانه آن که خلق گر ایمن مکر آن بودند، در همین بود.

لنین همچنین نادرستی این ادعای خلق گر ایمن را که شمار کارگران کارخانجات و کارگاهها رو به افزایش است، اما آهنگ افزایش آن کندتر از کل جمعیت است، نشان داد. وی ثابت کرد که شمار کارگران در واحدهای بزرگ سرمایه داری در فاصله ۱۸۶۵ تا ۱۸۹۰ بیش از دو برابر شد و نه تنها سریع تر از کل جمعیت، بلکه سریع تر از جمعیت شهری افزایش یافت. این طبقه، که لنین آن را پیشاهنگ کل توده زحمتکشان و استثمارشدگان قلمداد می‌کند، کاملاً قادر بود توده مبدیونی دهقانان نیمه رعیت را در مبارزه برضد رژیم مملکتی تزار و برضد سرمایه داری رهبری کند. لنین در مقدمه چاپ دوم کتاب خود که پس از انقلاب ۱۹۰۵-۷ نوشت، به این نتیجه مهم رسید که نیروی پرولتاریا "در حرکت تاریخ بسیار بزرگتر از سهم آن در کل جمعیت است". این اثر لنین، مبنای تئوریک فوق العاده مهمی برای ادامه تدوین برنامه حزب بود.

لنین در همان سال آثار "برنامه‌ها" و "طرح برنامه حزب ما" را که در پیوند مستقیم با تدارک برنامه حزب بودند، نوشت. وی نظر به تزلزل‌های ایدئولوژیک در سوسیال دموکراسی بین‌المللی و به ویژه نظرات رویزیونیستی برنشتاینی‌ها که آموزش مارکس و انگلس را "ناکافی و کپنه شده" می‌دانستند، در مقاله "برنامه‌ها" وظیفه سوسیال دموکراتها در تعیین دقیق "موضع خود درباره این مسئله" را گوشزد کرد. لنین تأکید کرد سوسیال دموکراتهای روس "کاملاً از تئوری مارکس پیروی می‌کنند. این

تئوری و وظیفه واقعی حزب انقلابی سوسیالیستی در "سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و هدایت آن به اهداف نهایی تسخیر قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و سازماندهی جامعه سوسیالیستی" را مدلل می‌کند. در مقابل، برنشتاینی‌ها، همانگونه که لنین نشان داد، تئوری سازش را به جای این تئوری مبارزه "که همه سوسیالیستها را متحد می‌کند و سوسیالیستها همه عقاید خود را از آن می‌گیرند" می‌نشاندهند. ضرورت مبرم داشت که تئوری انقلابی در برابر "حملات بی‌پایه و تلاش برای تزلزل دادن آن" حفظ شود.

در عین حال لنین تأکید می‌کرد که "هرای سوسیالیستهای روس به ویژه این امر ضرورت دارد که... تئوری مارکس را مستقلاً تکامل دهند، زیرا این تئوری تنها اصول عام راهنما را ارائه می‌کند، اصولی که در جزئیات، در انگلیس بگونه‌ای متفاوت با فرانسه، در فرانسه متفاوت با آلمان، در آلمان متفاوت با روسیه به کار بسته می‌شوند." این تأکیدها که سمت آن علیه برنشتاینی‌ها که می‌کوشیدند در اصول عام مارکسیسم تجدیدنظر کنند، و نیز علیه بکارگیری دکماتیک و غیر خلاق اصول عام راهنما بود، در عین حال برای ادامه تدوین برنامه حزب که می‌بایست مطابق با اهداف عمومی پرولتاریای بین‌المللی و وظایف مشخص پرولتاریای روس می‌بود، اهمیت اصولی داشتند.

"طرح برنامه حزب ما" که لنین در اواخر ۱۸۹۹ نوشت، بار دیگر نشان می‌دهد که وی چگونه اصول راهنمای عام مارکسیسم را در شرایط روسیه به کار می‌بست و از هر آنچه در برنامه‌های سوسیال دموکراتهای روس و بین‌المللی مفید بود، استفاده

نقدها می‌کرد. لنین در طرح خود بر "طرح برنامه سوسیال دموکراتهای روس" که در سال ۱۸۸۵ توسط گروه "آزادی کار" به رهبری پلخانف انتشار یافته بود، و نیز "برنامه ارفورت" سوسیال دموکراتهای آلمان تکیه کرد. برخورد او به برنامه ارفورت، از جمله در اصولی تهلوریافت، که در مقاله "برنامه‌ها" تدوین کرده بود.

برنامه ارفورت در مقایسه با سایر برنامه‌ها، رشد یافته‌ترین برنامه یک حزب مارکسیستی توده‌ای در دوره ماقبل انحصاری سرمایه داری بود. این برنامه علیرغم کمبودهایش، پاسخی ضروریاتی بود که در آن زمان در برابر برنامه مارکسیستی حزب پرولتاری قرار داشت. لنین بارها به سمتی برنامه ارفورت که پیدایش آن بطور ناگسستی در پیوند با کار تئوریک مارکس و انگلس، بنیانگذاران کمونیسم علمی بود، اشاره کرد.

در این رابطه، بهترین اهمیت را انتشار "یادداشت‌های برنامه حزب کارگر آلمان" نوشته مارکس توسط انگلس در نشریه "عصر جدید" و نیز "در نقد طرح برنامه سوسیال دموکراتیک ۱۸۹۱" داشتند که انگلس پس از بررسی دقیق طرح برنامه ارسالی او در اختیار رهبری حزب گذاشت.

فریدریش انگلس در نامه‌ای به فریدریش آدولف زورگه، مورخ ۲۴ اکتبر ۱۸۹۱، به رابطه میان انتقاد کارل مارکس و برنامه ارفورت اشاره کرد، "اینکه انتقاد مارکس راه خود را کاملاً باز کرد، مایه رضایت ماست." در این میان، ملاحظاتی انتقادی انگلس نیز نقش مهمی داشتند. اشاره بدین امر از این روشوری است که از این طریق رابطه میان انتقاد مارکس از برنامه گتسانفد انگلس و تدوین برنامه لنینی حزب آشکار می‌شود. این همه، طرفداری لنین از برنامه ارفورت در نوشته‌اش تحت عنوان "طرح برنامه حزب ما" را توضیح می‌دهد. لنین نوشت، "ما به هیچ وجه از گفتن اینک می‌خواهیم از برنامه ارفورت تقلید کنیم نمی‌ترسیم، در تقلید از آنچه خوب است، هیچ چیز بدی وجود ندارد، و درست اکنون که اغلب انتقادی اپورتونیستی از این برنامه به گوش می‌رسد، وظیفه خود می‌دانیم که علناً از برنامه ارفورت چنانچه‌ای که کنیم. اما تقلید به هیچ وجه نباید رونویسی ساده باشد." وی دلیل این موضع را قبل از هر چیز این دانست که در روسیه "همان روندهای اصلی رشد سرمایه داری، همان وظایف اصلی سوسیالیستها و طرح کارگر" مطرح است که در آلمان. در عین حال لنین تأکید کرد که "ویژگی‌های روسیه، که باید در ویژگیهای برنامه ما بازتاب کامل بیابند." نباید از یاد برونند.

بدین گونه، لنین رابطه میان اصلی و عام با خاص را در جنبش کارگری روشن کرد. بی‌پایه بودن همه تلاشهای امروزی رویزیونیستی برای انکار قانونمندیهای عام و تبدیل خاص به اصل نیز بدین ترتیب روشن می‌شود. لنین، وظایف ویژه ملی پرولتاریای روس را تعیین کرده، در پیوند با حل وظیفه بین‌المللی واحد و اصلی کارگران همه کشورها قرار داد.

ویژگیهایی که می‌بایست در نظر گرفته می‌شد، مربوط به "وظایف سیاسی و طرق مبارزه" و "مبارزه برضد همه بقایای رژیم پادشاهی ماقبل سرمایه داری" و نیز "چایکها و ویژه" مسئله دهقانی ناشی از همین مبارزه" بود.

در این طرح، تحلیل طرح برنامه گروه "آزادی کار" که به نوشته لنین "کاملاً در سطح تئوری معاصر سوسیال دموکراسی" قرار داشت و تنها "در جزئیات نیازمند تغییرات، تصحیحات و تکمیلات

ویراستاری" (۸۲) بود، جای مهمی داشت. لنین ضروری می‌دانست که در این "طرح" تغییراتی وارد شود تا آن را به برنامه ارفورت نزدیک کند. وی معتقد بود جمله معروف مارکس در باره "فقر، فشار، بندگی، منخ و استثمار فزاینده" (۸۴) که به اصرار انگلس وارد برنامه ارفورت شده بود، باید در برنامه سوسیال دموکراتهای روس نیز آورده شود، بخصوص اینک "منتقدانی که حول برنشتاین گرد آمده‌اند، دقیقاً به این نکته با شدت ویژه‌ای حمله می‌کنند."

طرح گروه "آزادی کار" در کنار خواستهای درست، حاوی بند "محو نظام کنونی نمایندگی سیاسی و برقراری قانونگذاری مستقیم خلق به جای آن" و نیز خواست لاسال مبنی بر "کمک دولتی به تعاونی‌های تولیدی" را شامل می‌شود. لنین مخالف این بود که قانونگذاری مستقیم خلق وارد برنامه شود، و می‌گفت نباید "بطور اصولی پیروزی سوسیالیسم را منوط به نشان دادن قانونگذاری مستقیم خلق به جای پارلمانناریسم" کرد، چرا که این امر در شرایط موجود روسیه متضمن خطر تبدیل شدن به "همه‌پرسی" امپریالیستی" بود.

تا آنجا که به خواست "کمک دولتی به تعاونی‌های دولتی" مربوط می‌شد، این خواست می‌بایست بر پایه تجارب سایر کشورها و ویژگیهای زندگی روسیه (تأمین لیبرالهای بورژوا و حکومت پلیسی به روی خوش نشان دادن به "اتحادیه‌ها" و به "حمایت" از "صنعت خلقی" و غیره) و رد و حذف می‌شد.

لنین به مسئله دهقانی توجه زیادی می‌کرد. وی هنگامی که خواستهای دهقانی را تدوین می‌کرد، به خوبی با مباحث و اختلاف نظرها در باره مسئله دهقانی در سوسیال دموکراسی آلمان، با برنامه دهقانی مصوب حزب کارگر فرانسه در سال ۱۸۹۱ درنانت و نیز رساله جدلی فریدریش انگلس با عنوان "مسئله دهقانی در فرانسه و آلمان" آشنا بود.

انگلس در این رساله با نظریات اپورتونیستی ابراهان شده در برنامه دهقانی مصوب نانت و نیز نظرات فولمار (اگرچه بدون ذکر نام او) مقابله کرد و دورنمای سوسیالیستی کشاورزی را پسند داد.

اپورتونیستها، مسئله اتحاد را از مبارزه طبقه کارگر در راه قدرت سیاسی جدا کرده، از حزب طبقه کارگر می‌خواستند که از مالکیت دهقانان کوچک در شرایط دولت بورژوازی دفاع و آن را ابدی قلمداد کند. آنها روند تجزیه دهقانان در سرمایه داری را درک نمی‌کردند.

لنین با حرکت از اندیشه‌های اصلی فریدریش انگلس در این اثر و تحلیل عمیق تفاوت مسئله دهقانی در روسیه و در کشورهای پیشرفته اروپای غربی چنین استدلال می‌کرد که "حزب کارگری، نمی‌تواند بدون اینکه احکام اصلی مارکسیسم را نقض کرده، خطای سیاسی عظیمی مرتکب شود، عناصر انقلابی‌ای را که در میان دهقانان نیز وجود دارند، نادیده گرفته و آنها را از حمایت خود محروم کند." لنین در این رابطه توضیح می‌داد که سخن بر سر حمایت از دهقانان به مثابه طبقه‌ای از خرده مالکان، و بر سر اهدی کردن مالکیت کوچک آنها بر ابزار تولید که مغایر با روند قانونمند تکامل اجتماعی است، نیست. پولکاکف "مارکسیست قانونی" و داوید وهرتس رویزیونیست نیز اینگونه نظرات مغایر با مارکسیسم داشتند. آنها می‌کوشیدند ثابت کنند که برخلاف صنعت، در کشاورزی تولید خرد بر تولید بزرگ ارجحیت دارد.

لنین به ویژه در اثر خود بنام "مسئله دهقانی و منتقدین مارکس" با نظرات رویزیونیستی ایمان مقابله کرد. وی با ارزیابی آمار کشاورزی آلمان که بقیه در صفحه بعد

نامه پدري به "دختر پنجاب"

بالدو سينگ مان، ۳۴ ساله، هشت روز بعد از تولد دخترش سونی، نزدیک دهکده امریتساره به ضرب گلوله به خاک افتاد.

این مبارز جوان، در ایالت پیر آشوب پنجاب زندگی و کار می کرد. او صدای خود را به مخالفت هر ضد تروریست هایی بلند کرده بود که هدفشان تقسیم هند و تشکیل کشوری بنام خالستان است. تروریست هایی که سال قبل باعث قتل بیش از ۷۰۰ نفر شدند.

بالدو و سينگ یک، سیک و عضو حزب کمونیست هند (مارکسیست) و خواهان اتحاد هندوها و سیک ها بود.

سی ساعت قبل از قتل او توسط تروریست ها در نزدیکی چی ناهاکار کمونیست محبوب دیگری بنام دارشان سينگ که بی ديان در دهکده هوشامپور به ضرب گلوله به قتل رسید. چند روز قبل تر نیز کمونیست جوان دیگری بنام دکتر آوترسینگ در حوالی امریتساره به ضرب گلوله از پای درآمد.

در راه مبارزه برای دفاع از وحدت هندوستان تاکنون ۱۶ عضو حزب کمونیست و یک عضو حزب کمونیست (مارکسیست) هند به قتل رسیده اند.

دو هزار نفر در چی ناهاکار جمع شدند تا به پیکر بی جان بالدو و سينگ مان اداي احترام کنند. رهبران حزب کمونیست هند و حزب کمونیست هند (مارکسیست) در مراسم تشییع جنازه وی شرکت کردند.

ممن نامه بالدو و سينگ که در آخرین روزهای زندگی اش نوشته شده، بسیار تکان دهنده است. زنان گروه گروه در دیدارها پارام چیت گروه همسر او نامه آخر او را دست به دست می گردانند و می خوانند. این نامه را او برای دخترش در روز اول تولدش نوشته بود.

دختر عزیزم

ورودت رابه این دنیا خوش آمد می گویم. خیر تولد ترا مادر بزرگت امروز ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۶ بمن داد. مادر بزرگت خیر تولد ترا با شوق و هیجان بمن نداد. البته اگر تو پسر بودی ما چار فرقی می کرد.

چو خانواده از شنیدن خبر تولدتو چندان شورانگیز و شادمان نبود. عهات خیر تولد ترا با تحقیر بیان داشت، ب...ع...له دختر بدبختی آمد.

این را می دانم که رفقا و دوستان همگرم از این خبر خوشحال خواهند شد. آنها نه تنها بمن تبریک

خواهند گفت بلکه از من شیرینی نیز خواهند خواست. مادر بزرگ تو، مادر من، از اینکه خانواده مادرت سوغاتی و هدایا فرستاده اند تعجب زده است. "مگر تولد دختر هم جشن گرفتن دارد؟"

فرزند عزیزم، من از این عکس العمل ها متعجب نیستم. دختر در این اجتماع سرباره حساب می آید. من در این مورد بسیار خواندم و شنیدم ولی امروز در خانواده خود آنرا از نزدیک احساس می کنم.

این چنین رفتار فئودالی در رابطه با زن در اجتماع ما از قدیم باقی

مانده است. برده و مطیع بودن زن محمول. اجتماع فئودالی و سرمایه داری است.

دخترم پدريت در راه براندازی آن نظام اجتماعی مبارزه می کند که داشتن دختر تنگ به حساب می آید. اشخاص زیادی هستند که داعیه مترقی و انقلابی بودن دارند ولی من سوگند خورده ام که زندگی و اعمالم با گفته هایم یکی باشند. آن کنم که می گویم.

دختر عزیزم، من برای آن نظام اجتماعی مبارزه می کنم که فقرا و تهیدستان رها شوند و زنجیر بردگی از هم بگسلد.

هدفم مبارزه برای بهتر کردن شرایط زندگی میلیون ها نونهال گرسنه، زنانیکه برای زنده بودن شرافت خود را می فروشند و دهقانانیکه عرق ریزان کار می کنند و کمرشان از زور قرض دوتا شده است می باشد.

فرزند عزیزم، زمانی بدنیا آمده ای که سرزمین بزرگ پنجاب به خاطر اختلاف طبقاتی در حال تقسیم است.

تعدادی را به خاطر نداشتن ریش و سبیل بقتل می رسانند. تعدادی را به خاطر داشتن موری سرشان زنده زنده می سوزانند. تحت لوای مذهب، انسانیت را خورد و نابود می کنند.

دختر عزیزم، پدريت در حال مبارزه با آن نیروهای زشت و تاریک اندیشی است که هدفشان نابودی نور است و در حال توطئه چیدن برای از بین بردن خورشید حیات بخش هستند.

از خود گذشتگی والا و شهادت بهای مبارزه در این راه است. من مطمئن نیستم که خشم این تاریک اندیشان گریبان مرا نکیرد

علیه چشم پوشی از تدوین خواستهایی به منظور جلب دهقانان به عنوان متحدان طبقه کارگر نیز بود.

لنین در برنامه دهقانی طرح خود خواستار آن شد که حزب سوسیال دمکرات کارگری از دهقانان "تأجایی که آنها به معنای طبقه ای که بیش از همه از بی حقوقی خلق روسیه و بقایای سراز در جامعه روسیه رنج می برد، قادر به مبارزه انقلابی بر ضد حکومت مطلقه هستند"، پشتیبانی کند. هدف این حمایت، این نبود که املاک کوچک دهقانان حفظ شود، بلکه مناسبات و نهادهای اربابی در روستا که بویژه دهقانان از آن رنج می بردند، محو و به مبارزه طبقاتی خصلت آشکارتر و آگاهانه تری داده شود. از این رو لنین پیشنهاد کرد که در برنامه، تدابیری جهت محو "همه بقایای وابستگی ارباب - رعیتی دهقانان به ملاکین"، از جمله پس دادن اراضی غصب شده دهقانان، پیش بینی شود.

به نظر لنین، برنامه حزب می بایستی این شرایط را داشته باشد: خصلت بنیادین رشد اقتصادی روسیه را روشن کند؛ ۲- نشان دهد که سرمایه داری به افزایش فقر و خشم کارگران می انجامد؛ ۳- نشان دهد که مبارزه طبقاتی منهای جنبش سوسیال دمکراتیک را

و فردا توسط آنان کشته نشوم. هر اتفاقی که بیفتد دخترم، تو به داشتن پدري افتخار خواهی کرد که بر علیه نیروهای چهل، مرگ و نابودی مبارزه کرده است.

دخترم، شاید نتوانم تمام شرایط و احتیاجات ترا و وظایفم بعنوان پدر را برآورده کنم، ولی گنجینه گرانی داشته آرم آنم بزرگترین سرمایه تو خواهد بود.

تو شعله آن چراغی هستی که از آن دانش و روشنایی برمی خیزد. هشیار آن باعنان باش که هدفشان غرق انسانیت در دریای خون است.

من ایمن دارم و مطمئن هستم که مبارزه مردم ما پیروز است. امیدوارم تو این دوران دشوار زندگی توده های مردم ما را نهیشتی. امیدوارم، ما با مبارزه خود بدر سیستم جدیدی را بیفشانیم که فردا فرزندان تو چون تو به آزادی تنفس کنند.

اگر در طول عمرم موفق به این کار نشدم، دخترم، کوشش کن در صف مبارزین برای عدالت و حقیقت جای خود را پیدا کنی.

من آرزو دارم سیک، بودائی و یا مسلمان باشی. در درجه اول سعی کن انسان باشی. اجازه نده این تقسیم ها خصوصیات انسانی ترا و تقوای انسانی ترا خدشه دار کند.

با این چند کلمه، من ترا بعنوان پدر مخاطب قرار داده ام. امیدوارم این پندها را قبول کرده بکار بندی.

شاید این نوشته ها سنگ بنایی باشد که زندگی توست را بر آن بنا کنی،

یک سرباز مبارز خلقی پدريت بالو و سینگ مانی ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۶ از روزنامه مورینگ استار هفتم ژانویه ۱۹۸۶

تشکیل می دهد؛ ۴- به خصلت بین المللی جنبش اشاره کند، اهداف نهایی جنبش را نشان دهد و تسخیر قدرت سیاسی را به عنوان شرط ضروری تحقق آن تعیین کند؛ ۵- خصلت سیاسی مبارزه طبقاتی را برجسته کند؛ ۶- نشان دهد که حکومت مطلق روس، مانع اصلی در برابر جنبش کارگری، و از این رو کسب آزادی سیاسی و وظیفه مقدم حزب است؛ ۷- نشان دهد که حزب از همه احزاب و اقلیتهای مردمی دیگری که با حکومت مطلقه مبارزه کنند، حمایت خواهد کرد؛ ۸- خواستهای اصلی دمکراتیک را بر شمارد؛ ۹- خواستهایی به سود طبقه کارگر و ۱۰- خواستهایی به سود دهقانان را شامل شود.

طرح های برنامه و سایر نوشته های برنامه ای لنین در سالهای ۹۰ قرن پیش نشان می دهند که تدوین این اصول راهنما، پیوندی فناگستنی با مبارزه بر ضد جریان خلق گرایی لیبرالی، "اگرومیسم"، "مارکسیسم قانونی" و برنشتاینی گری داشت. از این رو این فعالیت لنین بطور مستقیم به غلبه بر نفوذ بورژوازی در جنبش کارگری و انسجام ایدئولوژیک و سازمانی اعضای ح. س. د. ک. رنیز باری رساند. (بخش دوم در شماره آینده)

تدوین نخستین برنامه

بقیه از صفحه قبل

رویزونیستها از آن نتایج به کلی نادراستی گرفته بودند، ثابت کرد که پیشرفت فنی کشاورزی آلمان برخلاف نظر بولکانوف "قبل از هر چیز پیشرفت واحدهای بزرگ" است که در پیوند ناگسستنی با آن، "پرولتریزه شدن و سلب مالکیت فزاینده از اهالی روستایی، افزایش شمار دهقانانی که کار چینی، برای آنها به منبع اصلی امر معاش تبدیل می شود" قرار دارد.

لنین در طرح خود این مسئله اصولی را طرح کرد؛ "چگونه می توان دقیقاً چنان خواستهایی را تدوین کرد که به حمایت از خرده مالکان در جامعه سرمایه داری منجر نکند". این مسئله اصولی، تنها برای تدوین برنامه دهقانی سوسیال دمکراتیک روس اهمیت نداشت. این گونه طرح مسئله، علیه گرایشهای اپورتونیستی ای بود که در آن زمان در صفوف سوسیالیستهای آلمانی و فرانسوی وجود داشت و قبلاً به آن اشاره کردیم. در عین حال این امر

اعطای جوایز نوبل

جایزه صلح نوبل برای سال ۱۹۸۷ به اسکار آریاس سانچز، رئیس جمهور کاستاریکا داده شد. کمیته فروزی جایزه نوبل، این تصمیم را در روز سه شنبه ۱۲ اکتبر اعلام کرد. علت این تصمیم، کوششهای آریاس در راه برقراری صلح در آمریکای مرکزی اعلام شد. آریاس مبتکر طرح گواتمالاست که در هفتم اوت سال جاری، به امضای روسای جمهور ۵ کشور آمریکای مرکزی، از جمله نیکاراگوئه و السالوادور رسید.

آریاس پس از دریافت جایزه نوبل اظهار امیدواری کرد که کنگره آمریکا اعطای کمک ۲۷۰ میلیون دلاری به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را تصویب نکند.

جایزه پزشکی نوبل به یک دانشمند ژاپنی داده شد که تحقیقات سودمندی در زمینه سیستم دفاعی بدن داشته است. جایزه نوبل در فیزیک را یک دانشمند سوئیس و یک دانشمند آلمانی به علت تولید سوبرهای جدیدی که جریان برق را بدون مقاومت عبور می دهد، از آن خود کردند. جایزه نوبل در شیمی به دودانشمند فرانسوی و آمریکایی داده شد.

کاهش شمار نبر و های ویتنامی در کامبوج

ترین ژوان لانگ، سخنگوی وزارت خارجه ویتنام، در روز پنجشنبه ۱۵ اکتبر در هانوی اعلام کرد در ماه نوامبر بخش دیگری از نیروهای داوطلب ویتنامی از کامبوج فراخوانده خواهند شد و بدین ترتیب شمار این نیروها که از سال ۱۹۷۹ در کامبوج به سر می برند، به نصف کاهش خواهد یافت. این اقدام ویتنام در شرایطی صورت می گیرد که چشم انداز آغاز مذاکرات میان دولت کامبوج و گروههای مخالف پدیدار شده است.

اعتصاب بزرگ در فیلیپین

کنگره اتحادیه های کارگری فیلیپین که بیش از یک میلیون عضو دارد، در روز جمعه ۱۶ اکتبر اعتصاب توده ای بزرگی برای به کرسی نشاندن افزایش حداقل دستمزد سازماندهی کرد. این اعتصاب علیرغم ممنوعیت آن توسط دولت آکینو، برگزار شد. علاوه بر کنگره اتحادیه های کارگری، "جنبش اول ماه مه" نیز که یک سازمان صنفی بزرگ کارگران است، هفته گذشته اقدامات اعتراضی و اعتصابی در سراسر فیلیپین انجام داد.

اخبار کوتاه

● کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به منظور تدارک کنگره سیزدهم حزب که در روز ۲۵ اکتبر در پکن کنشایش خواهد یافت، در روز ۲۰ اکتبر تشکیل جلسه خواهد داد.

● بی بی وون سخنگوی پیشین حزب کمونیست فرانسه به تصمیم کمیته مرکزی، از حزب اخراج شد. وی اعلام کرده است در انتخابات ریاست جمهوری، خود را کاندید خواهد کرد. حزب کمونیست فرانسه، آندره لاژوانی را نامزد احراز مقام ریاست جمهوری کرده است. بی بی وون در آخرین کنگره حزب کمونیست فرانسه به علت مواضع رویزیونیستی و انشعابگرانه از رهبری حزب کنار گذاشته شده بود.

جنگ خونین میان نبر و های هند و چریکهای تامیل

سلاحهای سبک و خمپاره در اختیار دارند. نیروی ۶ هزار نفره هندی پس از موافقت نامه کلمبو میان دولت های هند و سری لانکا در سری لانکا مستقر شد. هند درصدد است هزارتن دیگر بر این نیرو بیافزاید.

در نبرد جافنا تاکنون صدها تن از هر دو طرف کشته شده اند. بیش از نیمی از ساکنان جافنا، در محابده، کلیساها و مدارس پناه جسته اند. مواد غذایی در شهر به سختی یافت می شود.

تظاهرات در فلسطین اشغالی

نقطه شروع تظاهرات در فلسطین اشغالی، حملات فاشیستهای اسرائیلی به مسجد الاقصی بود. پلیس اسرائیل با پرتاب گاز اشک آور به سوی مردم فلسطینی، به سود فاشیستها در درگیری دخالت کرد. حزب کمونیست اسرائیل، تحریکات فاشیستی اخیر را گامی جهت نافرجام گذاشتن تلاشهای جاری برای فرخواندن کنفرانس بین المللی خاور نزدیک دادست. سخنگوی حزب اعلام کرد اینگونه تحریکات پیش از همه توسط شامیر نخست وزیر و شارون وزیر صنایع و بازرگانی مورد تشویق قرار می گیرند.

دستگیری رهبران جنبش دانشجویی کره جنوبی

مردم را دعوت به تحریم انتخابات ریاست جمهوری در ماه دسامبر کرده اند. ایوژیسیون پورژوایی کره جنوبی، در مورد معرفی کاندیدای ریاست جمهور دچار اختلاف نظر شده است. کیم دای چونگ و کیم یونگ سام، رهبران اصلی ایوژیسیون پورژوایی، هر دو اعلام کرده اند که خود را نامزد احراز مقام ریاست جمهوری خواهند کرد. کیم دای چونگ، قصد دارد حزب جدیدی تاسیس کند.

قتل رهبر "اتحادیه میهنی" کلمبیا



درگیری پلیس و مردم کلمبیا

جنگ در سری لانکا در هفته گذشته وارد مرحله خونین جدیدی شد. ارتش هند حمله وسیعی برای تصرف شهر جافنا، مرکز مناطق تامیل نشین آغاز کرد. چریکهای تامیل در برابر این یورش دست به مقاومت سختی زدند. نیروهای هندی از پنج جانب به سمت شهر جافنا پیشروی کردند. در حدود ۲۵۰۰ چریک تامیل از شهر جافنا دفاع می کنند. در محلات اطراف جافنا، نبرد خانه به خانه خونینی در گرفت. ارتش هند، با استفاده از تانک، توپخانه سنگین و هلی کوپتر به مواضع چریکها حمله کرد. چریکهای تامیل تنها

در روز دوشنبه ۱۲ اکتبر، یک زن فلسطینی در رام الله به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شد. صهیونیستها در مرکز این شهر به تظاهرات مردم حمله کردند. مردم در برابر این یورش، متوسل به سنگساز و پرتاب سنگ شدند. بیش از ۱۰۰ تن از مردم دستگیر و ۴ تن مجروح گشتند. در اعتراض به وحشیگری ارتش اسرائیل، مردم رام الله، بیت المقدس شرقی و چندین شهر دیگر کرانه غربی رود اردن و نوار غزه دست به اعتصاب زدند.

پلیس کره جنوبی در روز پنجشنبه ۱۵ اکتبر یازده تن از رهبران جنبش دانشجویی این کشور را به علت نقض قوانین امنیت دولتی و مقررات تجمع، دستگیر کرد. این عده متهم به تشکیل یک "سازمان طرفدار کمونیسم" و فرخواندن کردهایی های ضد دولتی اند. "گناه" دانشجویان این است که خواهان عقب نشینی نیروهای آمریکایی از کره شده اند. سؤال، این خواست را جزئی از "ایدئولوژی کره شمالی" می دانند. رهبران دانشجویان همچنین

در روز یکشنبه ۱۱ اکتبر، خائیم باردولنال، رهبر "اتحادیه میهنی" که دربرگیرنده سازمانهای چپ کلمبیاست، به قتل رسید. این اتحادیه از هنگام تاسیس آن در سال ۱۹۸۵ تاکنون بیش از ۵۰۰ تن از مسئولین خود را بر اثر عملیات تروریستی بر علیه شخصیت های دموکرات، از دست داده است.

در اعتراض به قتل لئال، مرکز وحدت زحمتکشان، بزرگترین اتحادیه کارگری کلمبیا، در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۴ اکتبر، اعتصابی سراسری برگزار کرد. این اعتصاب، زندگی اقتصادی کلمبیا را فلج کرد. در جریان خاکسپاری لئال، در روز سه شنبه درگیریهای سختی میان مردم و پلیس روی داد که به کشته شدن سه تن انجامید. هزاران تن از شرکت کنندگان در تظاهرات، دولت کلمبیا را مسئول قتل لئال که از رهبران حزب کمونیست کلمبیا نیز بود، دانستند. بیش از ۲۰ هزار تن، در مراسم تشییع جنازه وی شرکت کردند.

"اتحادیه میهنی" در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۶ توانست به موفقیتی دست یابد



هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ستایش نبی‌ش، ستایش زندگی است، چه خود اوستایشگر زندگی بود. درست یکماه پیش از آنکه زندگیش را پسان تیری به قلب شب پرستان پرتاب کند، عشق خود را به زندگی و آئین آن چنین تصویر کرده بود، "نه انسان و نه زندگی متوقف نمی‌شوند، هیچ چاره‌هیچ وقت و آرمانها و هدفهای والای انسانی و تلاش برای زیستن، و خوب زیستن، حد مرز و حدود و ثغور نمی‌شناسد... همانگونه که می‌کوشیم تاحصار زوری که در مرز کشورمان کشیده‌اند، بقیه در صف؟"



تدوین نخستین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

در کتاب تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون تصویب نخستین برنامه لنینی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه آمده است، "کنکره برنامه‌ای را که "ایسکرا" تهیه کرده بود تصویب نمود... این برنامه حاصل مطالعات نظری مارکسیستهای روس بود که برخی از تزه‌های مهم آن مانند ارتباط متقابل مبارزه بخاطر دمکراسی و مبارزه در راه سوسیالیسم و نقش رهبری طبقه کارگر در این مبارزه کتبیته مارکسیسم را جدا گنی‌تر ساخت. این برنامه سیاست مارکسیستی پیگیر حزب را تعیین نمود و به پرورش پرولتاریا با روح مبارزه انقلابی در راه دستیابی به قدرت باری کرد. حزب می‌توانست به برنامه خود حقا افتخار کند. حزب بلشویکها بر پایه همین برنامه پدید

تدوین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، بخش مهمی از مبارزه لنین در راه یک حزب، ارکستی طراز نوین طبقه کارگر بود. لنین با تکیه بر میراث تئوریک مارکس و انگلس، برای تدوین برنامه، تجارب جنبش کارگری همه کشورها را که در مارکسیسم تیلور یافته بود، مبنی قرار داد. در این بین، آثار برنامه‌ای مانند "مانیفست حزب کمونیست"، "حاشیه‌هایی بر برنامه حزب کارگران آلمان" و "در باره نقد طرح برنامه سوسیال دمکراتیک ۱۸۹۱" نقش ویژه‌ای داشتند. لنین در تدوین برنامه حزب همچنین از اسناد برنامه‌ای سوسیال دمکراسی بین‌المللی، به ویژه برنامه ارفورت، استفاده کرد. لنین از سالهای ۹۰ قرن پیشین، تدارک برنامه حزب را آغاز کرد. گواهی بر این امر، آثار تحت عنوان بقیه در صف؟

برای اشتراك نثریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید باتکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «کار»:	<input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله
۱۶ مارك	۱۴ مارك	۳۰	۲۷
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «اکثریت»:	<input type="checkbox"/> سه ماهه <input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله
۳۶ مارك	۳۳ مارك	۷۰	۶۴
۱۳۸	۱۲۵		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 179
MONDAY, 19 OCT, 87

آدرس: **RUZBEH**
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید

کارگاه هنر ایران

دعوت به همکاری از هنرمندان

کارگاه هنر ایران، که همواره در راستای اشاعه هنر متمدنی کوشیده و بر بنیادش شورانگیز هنرمندان متعهد انکاد داشته است، تاکنون با بهره‌گیری از خلاقیت‌های هنری هنرمندان توانسته است پاسخگوی و تقایف خویش باشد و در حد توان، تلاش بر حاصل هنرمندان راه هنردوستان عرضه نماید. کارگاه هنر ایران در ادامه کار بی‌کسرانه خود در صدد است که انتشار سلسله نوارهای "نثرانه سرود" را بی‌گیرد و در این راستا نیاز به همکاری شعرا، استنساژان، نوازندگان، خوانندگان، طراحان و هنردوستان دارد، تا با ارائه آثار، نظرات و پیشنهادات خود، کارگاه هنر ایران را در پیشبرد این وظیفه ارزشمند یاری رسانند.

کارگاه هنر ایران
۱۷۱۱/۸۷
BOX 7054
16307 SPANGA
SWEDEN
آدرس کارگاه هنر ایران